

پیشمرگه‌کان: لازم به یادآوری است که سرهنگ محمد رسول ربیعی (سرهنگ چیا)، چهارشنبه، 1 ژوئن 2011، در سن 75 سالگی در شهر مالمو در سوئد درگذشت.



ضد شورش و جنگ رهائی بخش ملی

تقدیم به: پیشمرگه "گریلای" کرد!

جدا شده از . . . جنبشهای جهانی!

رفقا: این نکته را از یاد نبریم!

فقط به بهای تلاش و مبارزه د رزندی سرگردان امروز است که: فردا خواهیم توانست "اتحاد و یگانگی" بین خود و . . . بالاخره، الحاق میهن "تجزیه شده مان" را تدارک و تامین نماییم.

اکنون صفوف خود را متشکل کنید. آنچه ملت‌ها را شکل میدهد، چیزی جز از اعماق وجود خواستن و آرزو کردن نیست.

از: سرهنگ چیا: (فرمانده سابق واحدهای پیشمرگه "گریلا" در کردستان "1979 - 1985")

طراح جنگهای چریکی با زمینه قبلی "نظامی".

پیشگفتار:

مایلم این پیشگفتار را با جمله از: خوزه مارتی - یکی از قهرمانان استقلال کوبا آغاز کنم که مینویسد: (کسیکه جنگ اجتناب پذیری را در یک کشور علم میکند، جنایتکار است. اما کسیکه جنگ اجتناب ناپذیری را در یک کشور علم نمیکند هم جنایتکار بشمار میرود.)

اگر از جنگ باز هم از جنگ در مفهوم عام آن "غیر عادلانه" (ویرانی، ظلمت و فقر، و مرگ و نابودی . . . الخ) سخن میگویم و مینویسم عمیقاً متأثرم! اگر مشی مبارزه مسلحانه را بمثابه هم: (تاکتیک هم استراتژی) در مبارزه: ملی و انقلاب برای آزادی و استقلال جامعه و سرزمین ستمدیده کرد از: ظلم استعمار. . . و ظلم و ستم شوینیزم اشغالگر، در مفهوم خاص آن یعنی "عادلانه" میپذیرم و بدان معتقدم، بدان معنا نیست که من، و یا خلق کرد جنگ طلب است!

بابیان دیگر: جنگ بخاطر جنگ!!، هرگز. بلکه جنگ بخاطر رهائی ملی و اقتصادی علیه اشغالگران آنهم درشرئتی که راه کارهای سیاسی به بن بست رسیده - و راه مبارزه مسلحانه در مفهوم "ادامه سیاست با وسائل دیگر" شکل گرفته و ناگزیر گردد". چراکه: ماهم چون تو و... همه آنهایکه از جنگ صدمه دیده اند یا دررنج و عذاب اند، از تعدی و تجاوز: نیروهای اشغالگر، از غرش غول آسای هواپیماهای جنگی برفراز آسمان صاف و آرام میهن "تجزیه شده مان"، از صدای مهیب و مخرب انفجار گلوله های: (توپها، خمپاره اندازها... و انواع موشکها) برجا معه و سرزمین ستمدیده مان، بیزار و متنفریم.

بویژه که: هر بار صدای: طنین آوای زیبا و دلنشین "قیل و قال" کودکان... کودکان کرد را در آغوش گرم مادرانشان در افقی از شعله هائی از "آتش و دود" ناپدید یعنی: آنرا به شیون و زاری و وحشت و اضطراب ویا... بسا بجدائی ابدی آند و از همدیگر مبدل میسازد.

گاهی هم: مزارع سرسبز بهاره دهقانان فقیر کرد را به سیاهی و... یا خرمن پائیزی آنانرا طعمه آتش و دود ساخته و به تلی از خاکستر مبدل و... سرانجام: یا آنانرا به فقر و تنگدستی باز هم بیشتر میکشاند... و یاد در تداوم "تراژدی" جنگ، زمانی هم: کلبه محقرو تاریخ اوراکه نامی جز "ظلمت کده" استعمار و کار گزاران شوینیزم آن، نمیتوان و "نباید" بر او نهاد، یکجا بر سراو و خانواده اش فرو میریزند... و آنان در رویائی از: امید و آرزو به زندگی و دنیای بهتر در زیر آوار مدفون میسازد. و بالاخره که... در شعاع ترکش هر گلوله آن همانا آثاری از سیاست شوم استعمار: (اتحاد اجباری و الحاق - جبری) آشکار است، و بدینسان خلق ستمدیده کرد را با مرغانی از "فشار و زور و اختناق" و امیدارد که: با وجود میهن تاریخی اش و با وجود: (زبان، فرهنگ و اقتصاد) مشترک و یکسانش معذالک به زندگی در انشقاق و اختناق استعمار، و قید و بند خصم (شوینیزم) و ارتجاع) حکومتی - و سازمانی تمکین نماید.

دریک کلام: آنگاه که جنگ در شکل و محتوای (غیر عادلانه اش) !، چون کابوس وحشت و اضطراب: قحطی ها، فقر، جنایت، و بیماری ورنج می آفریند... و سرانجام موجب بی عدالتی و ستم "ملی و طبقاتی" می گردد، باز هم از آن بیزار و متنفریم.

یعنی اینکه: (صلح را دوست داریم و به آزادی و زندگی عشق میورزیم)، اینها واقعیات تاریخی اند که توضیح و سند اعتبار آنرا باید: در آرشیو گذشته - و نیز در شرائط اجتماعی، و سیاسی و نظامی امروز مبارزه - و فداکاریهای خلق ستمدیده کرد، سراغ گرفت. لیکن: باوجود این حقیقت محرز و مسلم، سیر تاریخ در سراسر دوران موجودیت خلق کرد، همواره موید این تجربه تلخ تاریخی نیز بوده - و میباشد: مادامیکه سیاست استعمار و امپریالیزم: (تعدی و تاراج) ... مادامیکه حاکمیت و سیطره شوم شو - و نیز ارتجاع: (ظلم و ستم) بر مبنای سیاست: "انکار و امحا" برکردستان و کرد در میان باشد، هر گونه سخن گفتن از "صلح و آزادی" در عمل و به تجربه ابزار فریب و نیرنگی بیش نیستند. و لذا امید بستن به آن "واهی و عبث اند"! . چراکه: تاکنون در عمل و به تجربه

فرجامی جز فریب، و حاصلی جز شکست و ناکامی برای خلق کرد - و بویژه، مبارزات "عادلانہ و برحق" وی دربر نداشته است.

لذا درپرتو چنین شرائطی از: شرارتها، عصیانگریها و نفی مطلق موجودیت تاریخی ملت ومیهن کرد، بویژه و دراینراه: (1- شعار فاشستی دولت میلیتاریستی " امریکائی " ترک در ترکیه که مدعی است: (**یک ترک بدل یک جهان است**) ! . که با پیروی از چنین سیاست وئیدولوژی به تخریب 5000 آبادی و کوچ اجباری و آوارگی حدود 3 میلیون از ساکنین کرد آن پرداخته همزمان برچسپ افتراء و اتهام: نا روای ترو و ترور یسم به پیشقراولان راه (**آزادی و استقلال**) جامعه و سرزمین استعمار زده کرد، وسیله چنن رژیم (ترور و حشت)، بکمک ارباب آمریکائی اش، کوشیده - میکوشد تا این اعمال " فا - شستی و ضد انسانی " خود را از نظار و افکار عمومی پنهان دارد الخ، 2 - برنامه انفال و بمباران های شیمیائی حلبچه و سردشت در شکل و محتوای "**ژنوساید**" توسط دولت فاشیستی - وپان عربیسم وقت عراق بر روی هزاران تن از کرد ها، 3 - ایجاد کمربند عربی در سوریه از سال 1970 بر مبناء سیاست "**پان عربیسم**" و (بیرون راندن هزاران کرد از خانه و کاشانه خود و جا بجای یی عربها به این مناطق کرد نشین) در سکوت جهانیان، 4 - تراژدی تیرباران کردن دسته جمعی ساکنین کرد قراء (**قارنا و قلاتان**) وسیله رژیم شوینیستی - ارتجاعی حاکم در ایران در سال 1980 . . . الخ، 5 - و سرانجام تحریف (**الحاق، به تجزیه**) و تبلیغ و توجیه آن بسود افکار وئیدئولوژی شوینیستی و ارتجاعی رژیم های اشغالگر . . . و بویژه - و دراینراه: پیروی و تبلیغ و تکرار چنن سیاست وئیدئولوژی شوینیستی، وسیله گروهها، سازمانها و احزاب باصلاح: (**چیپ - و ترقی خواه**)؟!، مخالف این رژیم ها؟، در قبال طرح و عنوان مسئله: حق تعیین سرنوشت مردم کرد " بدست خویش".

همه و همه موید و نشانگر این حقیقت اند که: برای حل و فصل تضادها اعم از " ملی یا طبقاتی " و سرانجام رسیدن به آزادی و صلح واقعی، چاره ای جز جنگ و بازهم جنگ در شکل و محتوای: (**ادامه مبارزه سیاسی، با وسائل دیگر**) نخواهد بود.

زیرا: خلق کرد، در راه پراز فرازو نشیبی در مبارزه است، دشمنانش از هر سو اوراد رمحاصره گرفته اند، همیشه باید از زیر آتش آنها بگذرد، معذالک اراده اش بر: (**الحاق و اتحاد**) بنابه تصمیم آزادانه اش است، تصمیمی که همانا برای آن گرفته است که: برای رها ئی از ظلم شوم پیراستعمار، با اشغالگران پیکار کند. چراکه درچنین شرائطی: (**جنگ عالیترین شکل مبارزه متقابل در میان ملتها، در میان دولتها، و در میان طبقات و گروههای سیاسی است**). مائوتسه دون.

بنابراین میبایستی جنگید، لکن باهدف سیاسی مشخص و باتکیه بر اصول و فنون جنگهای " ملی و انقلابی" و تئوریهای آن که جنبه اصولی دارند، میبایستی علل شکستها را کشف کرد. زیرا: (**بزرگترین آموزنده انقلاب شکستهای آنست**). .

میبایستی بر اساس درسهائی که از تجربیات تاریخی و روخداهای " جاری " خوددیگران بدست می آیند ، به تحلیل اوضاع و احوال موجود ، به تغییر و انتخاب : (استراتژی و تاکتیک های) جدید مبارزاتی : و بر اساس نیاز " تاریخی و حقیقی " ملت کرد پرداخت ، میبایستی : حرکت توده ها را از شکل و محتوای یک حرکت خودبخودی ، یعنی " خودانگیخته " ، ناآگاهانه و سازمان نیافته . . . متحول ساخت . . . و بالاخره ، میبایستی به هر یک از مباحث رزین خلق کرد ، بویژه ، (پیشمرگه ها و گریلا های) آن بابسج سالم سیاسی فهماند که چرا : می جنگد و اصولا این جنگ چه ارتباطی با شخص وی ، و جامعه و سرزمین او دارد ، سپس دوباره جنگیدن و تجربه آموختن بطور نامحدود و خستگی ناپذیر . . . تا پیروزی .

آموختن : مبارزه علیه این فکر و برداشت " باید " همیشه وجود داشته باشد که : (از نظر تاکتیکی کمتر از حد ، واز نظر استراتژیکی بیشتر از حد واقع ارزیابی کردن دشمن) ، و سپس دوباره جنگیدن ، اما نه بهر قیمت و بهائی : یعنی (خود را به آب و آتش زدن) ، زیرا که : اینکار مغایر با اصل اساسی جنگ اعم از جنگهای منظم یا غیر منظم چریکی " گریلائی و پارتیزانی " است .

سرانجام پی بردن با بین حقیقت که : جنگجویان کرد بدون شک عنصر بیکارجوی شگرفی هستند که اگر : بخوبی سازمان یابند و هدایت گردند ، آنها میتوانند و قادرند : بر روی همین امکانات موجود ، حما سه های پرشکوهی را که ملو از : رنگها و آهنگها ، و پراز قدرت و عضویت اند ، بیافرینند و اوضاع کنونی را که در آن " جامعه و سرزمین " ما زیرستم و تجاوز " فاشیزم و ارتجاع " رنج میبرد دیگرگوسازند .

ولذا : آنها میتوانند و قادرند که : سرآغاز هر حکمت و مبناء جنبش رهائی بخش (ملی و انقلابی) و کامیابی های آینده آن باشند . چه " تاریخ و تجربه " صحت چنین استنتاج و انتخابی را فراوان تایید کرده است .

مسلم ، با وجود چنین شرائط مساعدی استفاده از فاکتورهای علمی و فنی " مبارزاتی " بویژه آنها که جنبه عمومی دارند از جمله : (اگر دشمن و خودت را بشناسی ، صدبار میجنگی ، بخطر نمی آفتی) . بطوریکه کار برد عملی آن بدون شک در شکوفائی و بالندگی مبارزه مادرحال و آینده : (ارزیابیها) چه از نظر سیاسی ، و چه از نظر نظامی نقش حساس و ارزنده ائی را ایفاء مینماید .

زیرا : مضمون چنین مطالبی " مرحله آموختن و بکار بستن " یعنی : شناخت قوانین تکامل واقعیت های عینی و تعیین عمل خودمان طبق قوانین مذکور ، بمنظور غلبه بردشمنی که در مقابل خود داریم . بعبارت دیگر : هر نقشه نظامی اعم از جنگهای " منظم و یا غیر منظم " باید بر اساس اکتشافات لازم و تعمق دقیق در بر آورد نیروهای " خودی و دشمن " و همچنین روابط متقابل آن مبتنی و استوار باشد .

انگیزه اصلی اثر حاضر : بحث و فحصهائی است که در این زمینه " سیاسی - نظامی " مخصوصا نظامی زیاد صورت میگیرند که مشخصات عمومی این نظرات رامیتوان بدینگونه خلاصه کرد : 1 - پدیده های جنبش مسلحانه فقط تصویر و توصیف میگردند ، ولی تفسیر و تحلیل نمیشوند 2 - تعمیم

علمی و فنی در آنها وجود ندارد 3 - دلیلی برای پدیده‌ها ارائه نمی‌گردند 4 - مهم‌تر از همه رابطه جنبش با سایر ایدئولوژیها، و جنبش با توده‌ها در آنها کم‌تر ویا اساساً مورد توجه قرار نمی‌گیرند 5 - این مسائل غالباً در پرتو هدفهای "سیاسی و تشکیلاتی" معینی... و بسا روابط و سلیقه‌های شخصی مستور می‌مانند 6 - میبایستی باین مجموعه استراتژی "انتظار" ، و تاکتیک "کمپ‌نشینی" سازمانها و احزاب کردستان شرقی درد و دهه‌های اخیر، و بسا از ابتداء جنبش و بویژه - و در این راه سپردن التزام و تعهد آنان به رهبران کردستان جنوبی مبنی بر خوداری آنان از انجام هرگونه عملیات مسلحانه علیه رژیم ایران به بهانه دست‌آویز حفظ دست‌آوردهای "نیم‌بند" کردستان جنوبی، نه تنها جنبش مسلحانه را در این بخش از میهن کرد عملاً دچار رکود و بن بست کرده است! ، بلکه در فرایند آن موجبات یاس و ناامیدی مردم این بخش از میهن کرد را نیز به آینده جنبش "خودشان" فراهم آورده است؟! .

از این رو: با احساس مسئولیت (ملی و انقلابی) ام، میکوشم تا شاید توانسته باشم ضمن تجزیه و تحلیل موارد بالا، مضمون مطالب این اثر: برای هنر جویان "جوان" این حرفه و فن (نظامی) بازتابی از تجربیاتی باشد که در این مورد عملاً در "جنبش مسلحانه" خلق کرد، **بویژه:** (بازمینه قبلی نظامی)، آموخته و اندوخته‌ام، همچنین انعکاسی باشد از اصول و فنون عام جنگ، بخصوص جنگهای چریکی "گریلایی - ویا پارتیزانی" سایر جنبشهای "ملی و انقلابی" و انطباق آن با شرایط اجتماعی و جغرافیایی در کردستان.

زیرا: مسائل و قوانین جنگهای (ملی و انقلابی) و تئوریهای آن که جنبه اصولی دارند ترانزنامه جنگهای هستند که پیشینیان ما تنظیم کرده‌اند. که هر جنبشی همواره میتواند چیزهای بسیاری از آنها بیاموزد، زیرا تجربیات این ملتها شباهتهای زیادی با هم دارند.

سخن کوتاه: در جازدن، چسبیدن و در غلطیدن، در میان منابع کلاسیک سنتی "کهنه مبارزاتی" خودی حتی بمنزله نفی آشکار تجربیات تاریخی و آموزنده جنبشهای خویش نیز میباید.

طبعاً ملاحظات مندرج در این "اثر" را نمیتوان مطلق و یابی نقص دانست، بلکه آنها را باید بیشتر بعنوان کوششهایی در جهت تبیین جوهری از: یک موقعیت بشما آورد، هدف این ملاحظات در خدمت درک بیشتر از موقعیت فعلی "جنبش مسلحانه" خلق کرد صورت میگیرد. این ملاحظات در عین حال بی عملی‌های برخاسته از عدم درک وظائف را تا حدودی تبیین میکند. **دروغله دوم:** هدف برجسته کردن سازمانها و احزابی است که (نیتاً موقعیت را درک کنند) و لاقلاً آنرا در صفوف خود تغییر دهند، تا بدینسان بوضع و رای "امروزی" گرفتار نشوند؟! . **بعبارت واضحتر:** ضعف (سیاسی و تشکیلاتی) آنها در جریان مبارزه "از ابتدا تا با امروز" کیفیتی بوده که میتوان "وباید" آنرا نوعی ناموزونی و عدم هماهنگی بین مبارزه (سیاسی با نظامی) نامید. **البته این کیفیت را میتوان:** فقدان "برنامه و اصول"، فرصت طلبی، هژمونی قدرت، فقدان تداوم اورگانیکی... و بالاخره، ناموزونی بین "تاکتیک و استراتژی" نیز نام گذاشت.

باین نکته نیز کاملاً واقف ام : در جائیکه شریف ترین و فداکارترین فرزندان میهن کرد (کردستان) در مقابل هراسناکترین و اهریمنی ترین جلادان تاریخ و دشمنان بشریت ، قهرمانانه مبارزه میکنند ، وحشیانه ترین شکنجه ها را متحمل میشوند - و تایای مرگ در : صداقت ، ایمان و شرف خود و در اصالت و درستی و برحق بودن راه خود تردیدی نمیکنند . زحمات نا چیزیکه برای نوشتن و انتشار دادن آثاری از این قبیل متحمل میشوم ، در حکم هیچ و بمثابه : (کمترین دینی) است که : میتوانم در شرائط فعلی " " در مقابل شهیدان (آن قهر- مانان حماسه آفرین) اداء نمایم .

مع الوصف : از آنجائیکه انقلاب مانند هر چیز دیگری راه پریچ و خمی را میبویید ، و راه انقلاب اعم از : طبقاتی - ویا ملی ، هرگز مستقیم نیست . . . و در فرآیند آن با اعتقاد باینکه : (هرگز چیزی بنام اوضاع مطلقاً یاس آروبی راه حل وجود ندارد) . لنین

لدا اراده تسلیم ناپذیری در امر مبارزه با مشکلات و موانع را الهام میبخشد ، از طرفی شناخت و درک واقعی از اعتبار و اهمیت " هدف متعالی " و نیز اصالت و اعتبار تاریخی و حقیقی آن ، از ما میطلبد که با نیروی خلل ناپذیر " ایمان و عقیده " با آگاهی و اتکاء به شیوه های اصولی و اخلاقی : (تبلیغ و تهیج - و سازماندهی) . . . و با ایجاد زمینه اتحاد و همبستگی که از قضاء : امروزه بیش از همه مورد نیاز میباشد ، بیکار پیگیری و برحق خلقتان را جهت و جهشی نو ، و توان و رونق تازه ای ببخشیم .

ژنرال نگوین جیات : فرمانده نیروهای ویتنام ، در جنگ با امریکائیها مینویسد : (در تناسب کنونی جهان اگر خلقی ضعیف و کوچکی مصممانه بپا خیزد و برای آزادی و استقلال خود مبارزه کند میتواند دشمنانش را هر که باشند به عقب نشینی وادارد و او را به زانو در آورد) .

در این " اثر " کوشش بعمل آمده تا مراحل جنگ رهائیبخش : (ملی و انقلابی) ، به ترتیب زیر مورد تجزیه و

تحلیل قرار گیرد :

- 1 - حفظ کردن نیروهای خودی
- 2 - متفرق کردن نیروهای دشمن
- 3 - برپا کردن نیروی عقبدار
- 4 - دنبال کردن شکلهای مبارزه شهری .

نگارنده در این مجموعه تعلیمات ارزشمندی: نه تنها از نمونه های چینی ، کوبائی ، و تنامی . . . و نیز مبارزات رهائی بخش ملی سایر ملل در حدود امکان و دسترسی ، جمع اوری کرده - بلکه از شناخت خود در زمینه تاکتیک ها و تکنیک های " ضد شورش " . . . و بویژه ، تجربیات خاص خود نیز با زمینه قبلی " نظامی " استفاده کرده ام . . . و نتایج آنرا به جنگجویان کرد که : خونهای بیدریغ خود را بامید (آزادی و استقلال) جامعه و سر زمین استعمار زده کرد ، دلیرانه

به کشتزار تاریخ میباشند عرضه میدارم . **باین امید که** : مفید و مورد قبول و توجه واقع گردد .

تمامیت ارضی یک حق مطلق نیست و نمیتوان به بهانه آن "**ژنوساید**" ، و یا به سرکوب و اختناق متوسل شد . در اینصورت این مردم حق دارند که : برای دفاع از خود و آرمان " تاریخی و حقیقی " شان ، دست به اسلحه ببرند .

از سر هنگ چیا

(**کسیک جنگ اجتناب پذیری را در یک کشور علم میکند جنایتکار است** . اما کسیکه جنگ اجتناب ناپذیری را در یک کشور علم نمیکند هم جنایتکار بشمار میآید) .

از خوزه مارتی " انقلابی کوبائی " .

در بخش اول این بحث " دردنبالهء پیشگفتار " قبلا به تعاریف و ویژگیهای از جنگ چریکی - وضد چریکی اشاره کردم . و بویژه ، در قسمت عملیات مدنی " غیر نظامی " یاد آوری کردم که : عملیات مدنی در حقیقت تکمیل کننده سرویسهای رسمی که نحوه عمل آن : بمثابة موثرترین اسلحهء مبارزهء ضد شورش (**نیروهای سرکوب**) تلقی شده است .

بطور کلی - وقتیکه نظم عمومی بهم میخورد ، سازمانهای امنیت و اطلاعات در حالیکه بتوسعه و گسترش همهء آن عملیات مبارت میورزند ، بسازماندهی منابع اطلاعاتی ، به پخش اطلاعاتیه ها و نیز عکسهای از آنان " اشرا - و آشوبگران " میپردازند ، برای کسانیکه آنها را (زنده یا مرده) تسلیم کنند ، جوایزیدر نظر ماگیرند و به کسانیکه سلاحهای خود را بزمین بگذارند ، امکان میدهند و از مجازات معاف میدارند .

اکنون در این بخش " بخش سوم " سعی خواهد شد که به عملیات نظامی اشاره شود ، به این امید که مفید و مورد توجه هنرجویان " جوان " این حرفه و فن قرار گیرد .

عملیات نظامی : عملیات نظامی بطور اساسی بوسیلهء افراد ویژه معروف به : (شکارچیان) کلاه سبزه ها ، وضد چریکهای حرفه ای اعمال میشود . اینان دارای روحیهء خوب جنگی هستند ، سربازان ورزیده - و عوامل مزدور محلی ، درجه داران نخبه ، افسران برگزیده و از آنجمله . اینان دوره های خاص آموزشی را بنام (**رنجرویا ویژه**) می بینند .

ارتش جوخه های عملیاتی خود را که در واقع دشوارترین وظایف نظامی - یعنی " ضد شورش " را بمورد اجراء در میآورند تحت عنوان " ضد چریک " ، این افراد از مزایای یک حقوق ویژه ، ترفیع درجه ، برای هر چریکی که دستگیرویا از صحنه خارج کنند ، برخوردارند .

عملیات نظامی شامل نکات زیر میباشد :

الف - تعیین محل و موضع کردن چیست ؟

هر فرد بیگانه ، در یک منطقه بحرانی ، بویژه ، در مناطق روستایی که حس کنجکاو را برانگیزد ، حضور یک گروه متشکل از سه نفر یا بیشتر ، میتواند مورد سوء ظن قرار گیرد. چریکها " گریلاها " نیز میتوانند بوسیله مامور- ان مخفی مستقر در دهات و جاسوسان داوطلب محلی لو برونند ، همینکه وجود واحد های (چریکی " پارتیزانی ") آشکار شد ، نیروهای سرکوب ، تدابیر امنیتی چریکها : سلاحها یشان ، تعداد آنها ، تحرک شانان . . . و غیره را مورد ارزیابی قرار میدهند - و برای اینکار میتوانند از طریقهای زیر عمل کنند : 1 - عمیق تر کردن رخنه در آنها 2 - انجام عملیات شناسایی و عکس برداری هوایی ، همزمان شناسایی - جستجوی برقراری تماس مستقیم از طریق حمله غافلگیرکننده به محل تجمع چریکها " پارتیزانها " . ولی قبلا از اینکه این مطلب را ادامه دهیم . . . لازم است بطور خلاصه یاد آور شویم که : ارتش غیر از وسیله جا سوسان و خبرچینان خود ، از چه وسایل دیگری میتواند استفاده تا تعداد چریکها یا گریلاها ئی که در یک جبهه مبارزه میکنند برآورد کند . . . برآوردی که غالباً دقیق و با واقعیت وفق میدهد .

این وسائل عبارتند از : 1 - بوسیله تعداد نشانه ها و علامتهای بر جا گذاشته شده وسیله چریکها در عرض کوره راهها 2 - از طریق مشاهده مستقیم 3 - بوسیله مقدار وسائل و تجهیزات که برای برپا ساختن چادرها - و آتش هیزمها 4 - از طریق مقدار آذوقه کشف شده وسیله ضد چریک 5 - از طریق آزمایش تعداد و گنجایش سنگرهای بدست آمده ، پس از یک کمین 6 - از طریق آزما یش تعداد و گنجایش سنگرهای بدست آمده پس از یک عملیات کمین 7 - از طریق برآورد مقدار مدفوع کشف شده در یک منطقه تجمع چریکها " گریلاها " 8 - از طریق تعداد حیوانات ذبح شده - بوسیله چریکها " پیشمرگه ها " .

ب - تماس مستقیم چیست ؟

وقتی که محل تجمع چریکها " پارتیزانها " مشخص شد و حضورش در یک منطقه شناخته گردید ، نیروهای ضد شو- رش یا ضد چریک ، با در نظر گرفتن تدابیر امنیتی به برقراری تماس مستقیم مبادرت میورزند ، و سعی میکنند که : حمله به محل تجمع چریکها " گریلاها " نه نحوی صورت گیرد که با اولین ساعات روز مقارن باشد.

در شرائط مطلوب ضد چریکها میتوانند یورشهای بی سروصدائی را بمورد اجراء در آورند : (بی آنکه هلیکوپترها اثر حمله غافلگیرانه را بهم بزنند) ، و بدینوسیله خواهند توانست گروههای " چریکی یا پارتیزانی " را محاصره کنند . جوخه های متعدد مجهز به دستگاههای گیرنده - و فرستنده نقاط مرتفع اطراف را برای بستن راههای فرار ممکن اشغال میکنند ، در حالیکه واحد های دیگر ، مسئولیت " **جاده صاف کنی** " و شکار چریکها را بعهده میگیرند . ولی وقتی که چریکها - یا پارتیزانها در حرکت و جنبش مداومند ، و برای محافظت از خود خواه در جنگلهای پوشیده - یا در کوهستانها ، مدام تغییر محل میدهند . . . دشمن معمولاً خود را ناچار می بیند که بجای یورش فوری ، به عملیات دسته ائی مرکب از : (**چهل یا شصت نفری ضد چریک**) قناعت ورزد ، وظیفه این دسته ها این خواهد بود که جای پاها - یا کوره راهها ئی را که چریکها یا گریلاها بر جای گذاشته اند . . . اینقدر

دنبال کنند تا تماس مستقیم برقرار گردد .

در اینحال موارد زیر میتوانند پیش آیند : 1 - نیروهای دشمن در یک تله یا کمین گرفتار می شوند ، 2 - گشتیها و نگهبانان چریکها ، حضور نیروهای دشمن را اعلام می کنند ، ولی چریکها یا پیشمرگه ها که مقدمات کمین را فراهم " پیش بینی" نکرده اند ، یا اینکه بخاطر جمع آوری تجهیزات یا وسائلی که در محل تجمع پراکنده است وقت خود را هدر دادند . . . این فرصت را از دست میدهند - و در عوض با شتاب و دستپاچه گی به عقب نشینی میپردازند ! ، 3 - در سبیده دم ، نیروهای ضد " چریک یا گریلا " که از روی جای پاها چریکها را دنبال کرده اند ، به حدود پانصد متری اردوگاه موقتی آنها میرسند و در اینجا به دسته های کوچکی تقسیم میشوند . یک دسته ، اردوگاه را محاصره میکند و دویا سه دسته دیگر در مقابل هر یک از راههای فرار ممکن در حال کمین باقی میمانند ، دسته دیگر ، بدستگیری یا گشتن نگهبانان و گشتیها مشغول میشوند و بطور ناگهانی و با سلاحهای خود کار " اتوماتیک " و نارنجک های دستی به اردوگاه چریکها " گریلاها " حمله می کنند .

در این حالت ، اگر چریکها موفق نشوند که از جا جدا شوند ، یا اینکه مرتکب اشتباه شده و بخواهند در حفظ مواضع و اردوگاهشان اصرار و سماجت بخرج دهند ، ثابت نگه داشته میشوند . . . و به ضد چریک هدف مشخص و فرصت حمله متمرکزی را بدشمن عرضه میکنند . این خطر محاصره ، در تمام مدت عقب نشینی . . . و حتی ساعتها بعد از آن وجود دارد ، بویژه ، در زمینهاییکه چریکها با آنها آشنائی ندارند . . . و در اطرافشان ارتفاعات و محوطه های وسیع و روباز وجود دارد ، در اینحال : به احتمال قوی راههای گریز آنها پیشاپیش بوسیله ضد چریک اشغال شده است . نیروهای ضد چریک ، که همچنان بحال کمین باقی مانده . . . و راههای فرار احتمالی را کنترل کرده بودند ، موفق میشوند که جنگ چریکی را در محل بحال ثابت نگهدارند ، و عملیات محاصره را به مورد اجراء در آورند . . . عملیاتیکه موفقیت آن برای ضد چریک : (بطوریکه در بالا گوشزد کرده ام) مستقیما بستگی دارد به : میزان تحرک چریکها - و آشنائی نادرست و ناکام آنها از موقعیت جغرافیایی منطقه .

در شبهای مهتابی ، در محلهای کم گیاه یا در زمینهای باز ، ضد چریک پس از بدست آوردن رد پای " چریکها " معمولاً تماس مستقیم را بدو شکل زیر برقرار میکند : 1 - راه پیمائی به قصد نزدیک شدن تا همسایگی اردوگاه چریکها یا پارتیزانها . . . و در اینجا ، ارتش اردوگاه خاص خود را برپا میکند ، 2 - راه پیمائی بقصد انجام عملیات نهائی ، برای محاصره و اشغال محل تجمع چریکها بین ساعت های (5 تا 7) صبح ، البته پس از اینکه خود را از شر گشتیها - و نیز نگهبانان چریکها خلاص کند .

پ - بستوه آوردن یا دله کردن چیست ؟

همینکه عملیات تعیین موضع و محل . . . و بعد تماس مستقیم بعمل آمد . . . محور تاکتیکی ، پایه و محور اساسی شیوه ضد شورش ، یعنی : بستون آوردن یا دله کردن از طریق (حملات مکرر و مداوم) آغاز میشود .

و آن عبارت از : یک جاده صاف کنی " منظم و بی وقفه " که به یمن آن نیروهای ضد چریک ، موقعیت قبل از تماس دائمی را فراهم میکنند بی آنکه نیروهای " چریک یا پارتیزان " را یک لحظه راحت و درامان بگذارند . این شیوه تاکتیکی ، همواره به گروهی از نیروهای ضد چریکی مرکب از 40 تا 80 نفر واگذار که موظف هستند چریکها را بستوه در آورند و با تعقیب معبر یا هر نشانه گذرگاهشان . . . لاینقطع و قدم به قدم آنها را دنبال کنند . **در اینگونه مواقع معمولاً از هلیکوپترها استفاده میشود.**

به موازات این عملیات : بستون آوردن و ذله کردن ، افراد مستقر در پاصگا ههای اشباع یا نقطه عزیمت که اغلب بر روی ارتفاعات منطقه به پائیدن (دید بانی) نقاط و محورهای حساس منطقه مشغولند ، ضد چریک هم چنین عادت دارد که در کوره راهها ، در محلها نیکه چریکها یا گریلاها جای پایانشانه ای باقی گذاشته اند ، کمین یا تکه هائی برپا کند .

هیچ زمینی ، چه با شیب تند و سنگلاخی - چه دارای گیاهان پر پشت و خاردار درامان نیست . . . آنها چنین میگویند : ((راهزنان ، اشرار مسلح . . الخ)) .

در واقع نیروهای ضد چریک مانند " چریکها یا پارتیزانها " عمل میکنند ، بعلاوه آنها از یک حمایت لوچستیکی " تدارکاتی " عالی برخوردار هستند ، و برخلاف چریکها یا گریلاها از خستگیهای مداوم و تجدید قوا نکردن رنج نمی برند ، زیرا همینکه ضربه روحی ناشی از گرفتار شدن در کمینی را تحمل کردند ، نیروهای تازه نفس جای آنها را اشغال میکنند ، البته بلائی را که به سر نیروهای قبلی آمده برای این نیروهای تازه نفس بازگو نمیکنند و این نیروهای سر حال و تازه نفس ، بلافاصله فعالیت نیروهای قبلی را دنبال میکنند .

استعمال و اجرای محور تاکتیکی نیروهای ضد چریک : ((موقعیت قبل از تماس دائمی - یا بستوه آوردن و ذله کردن از طریق حملات مکرر و مداوم که : وسیله ایست برای یک جاده صاف کنی بی وقفه و لاینقطع)) بطور اساسی هدفهای استراتژیکی زیر را دنبال میکند :

1 - آشنائی لحظه به لحظه در جهتی که نیروهای غیر منظم در پیش میگیرند ، 2 - اعلام خطر دادن بواحدها نیکه از ارتش حمایت می کنند ، با اشغال دهات و دهکوره هائیکه در سر راه تقریبی و تخمینی چریکها قرار دارند ، تا مانع از آن شوند که : ((ماهی در آب ملت شنا کند)) . . . یعنی چریکها نتوانند برای خود آذوقه و خواربار تهیه کنند ، و یا به عضوگیری جدید بپردازند ، 3 - مانع از آن شوند که جبهه های مسلح بتوانند برای حفظ و امکان یک جنگ ممتد و دراز مدت ، به استقرار پایگاههای عملیاتی مورد نیاز مبادرت ورزند ، 4 - امکان

هرگونه حمله و یورش را از آنها سلب کنند ، 5 - از هرگونه اوضاع و احوال یا اشتباه استفا ده کنند تا چریکها را غافلگیر کرده و به محل تجمع آنها یورش برند ، 6 - چریکها یا گریلاها را بطرف محلها ئی سوق دهند که از قبل بوسیله نیروهای ضد چریک در حال کمین اشغال شده است ، و در نتیجه آنها را در این محل ثابت نگه دارند و محاصره شان کنند ، 7 - واحدهای چریکی یا پارتیزانی را به محلها ی دور از زندگی : اجتماعی و سیاسی پرت کنند ، و به یمن این انزوا ، اثرات تبلیغات مسلحانه آنها را بحد اقل ممکن برسانند ، 8 - چریکها را وادار کنند که انرژی جسمانی خود را بطور دائم مصرف کنند ، بی آنکه فرصت رفع خستگی و تجدید قوا را

داشته باشند ، و در نتیجه هدفشان گرسنه نگهداشتن ، از پای در آوردن ، کوفته کردن ، از بین بردن روحیه چریکها یا پیشمرگه ها و بالاخره ، مجبور نمودن نشان به رها کردن زندگی چریکی است .

از این لحظه به بعد است که ضد شورش مزیتی را که بمثابهء میراث چریکها یا پارتیزانها تلقی میشد ، از آن خود میکنند . . . یعنی مزیت حربهء ذله کردن و بستوه آوردن را ، و بعلاوه :
محاصرهء استراتژیکی - و عمل اشباع را به آن اضافه میکنند . وقتی که چریکها یا گریلاها مورد هدف ذله کردن و بستوه آوردن دائمی قرار دارند ، معنايش اينست که :
حدودا جهت و گذرگاه آنها را می شناسد ، و برای اینکه جلوگیری آنها را بگیرد ، در تک نقطهء کوره راه یا مسیر پیش بینی شده - بویژه ، در یک مکان مساعد ، آنها را مورد حمله قرار میدهند .

((در تناسب کنونی جهان اگر خلقی ضعیف و کوچکی مصممانه بیاخیزد و برای آزادی و استقلال خود مبارزه کند میتواند دشمنانش را هر که باشند بعقب نشینی وادارد و بزاند ر آورد)) .
ژنرال نگوین جیاب ویتنامی .

ارتش دریگمین بدام میافتد :

هما نظوری که در غالب اوقات ، دریگمین نا کامل یا بمنظور تخفیف فشار برنامهء بستوه آوردن و ذله کردن ، رخ میدهد ، متصدی مخابرات که درستوم عقب جبهه قرار دارد ، به محض وقوع تماس مستقیم : با پاسگاه اشباع کننده - یا نزدیکترین پادگان نظامی - یا با یکی از هلیکوپترها ، پس از سپری شدن **5 تا 10** دقیقهء اول ، و محو اثرات غافلگیری ، افرادی که خارج از میدان عمل قرار دارند ، سعی میکنند که بخود بیایند و از منطقهء خطر دور شو-ند ، و در عین حال : با تمام قدرت - و با شدت هر چه بیشتر ، بطرف محل های سر پوشیده . . . در آنجائیکه تصور می کنند که چریکها یا گریلاها مخفی شده اند ، تیراندازی میکنند . همزمان ، بارانی از دشنام و ناسزا گویی از طرف نیروهای ضد چریک سرازیر میشود - وقتی که چریکها یا پارتیزانها بدشنا مها پاسخ میدهند ، صحنه یک حالت " تراژدی کمدی " بخود میگیرد .

وقتی که ضد چریکها دریگمین بدام میافتند : افسران و درجه داران معمولاً به یک مشت فرمانهای " الکی و فریب دهنده " مبادرت میورزند ، **مثلاً :** از جناح راست به پیش ! ، آنها را محاصره کنید ! ، ولی درست در

همین لحظات است که : **سربازان از اجرای دستور خود داری میکنند .**

وقتی که یک تعداد از سربازانی که سعی کرده بودند که پیشروی کنند ، نقش زمین میشوند و از پای در میآیند ، دیگران از پیشروی خود داری میکنند و سرجای خود باقی میمانند و در همین حال : بطرف شاخه های درختان و هر شیئی که بجنبند تیراندازی میکنند . از نظر تاکتیکی ، درست اینست که آنها چریکها یا گریلاهایی را که کمین کرده اند از جناحها و عقب سرجبه مورد حمله قرار دهند ، ولی از آنجائیکه بندرت قادرند که با سرحت لازم خون سردی خود را بدست آورند ، و از طرف دیگر : چریکها یا پارتیزانها علاوه بر مزیت حربهء غافلگیری ، محل کمین را میشناسند ، در نتیجه

عملیات تیراندازیهای "الکی ومانورها" فقط توی جزوهای نظامی دارای ارزش است "ونه در عمل".

اما در مورد "فریاد کشیدنها - ود شنام دادنها"، ضد چریک، هدفهای تاکتیکی زیر را تعقیب میکند:

1 - از نظر روانی: چریکها یا پیشمرگه ها را تحت تاثیر قرار دهد، 2 - چریکها یا پیشمرگه ها را وادار کند که با پاسخ دادن باین "فریادها و شنامها"، محل برقراری مواضع خود را ((هرچند تقریبی هم باشد)) بر ملا کنند. با صدور فرمانهای "ساختگی والکی"، چریکها یا گریلاها را سرگردان و گمراه کرده - و در نتیجه آنها را مجبور به عقب نشینی کند. در این وقت هلیکوپترها شروع میکنند تا آنجا که بتوانند به پیاده کردن نیرو پرداخته، تا راه عقب نشینی چریکها یا پیشمرگه ها را قطع کنند. معمولاً هلیکوپترها در گرما گرم نبرد جرات نمیکند که بمیدان نبرد نزدیک شوند. فقط موقعی که تصور کنند که عقب نشینی چریکها یا گریلاها قطعی است، فرود میآیند: اول - برای جمع آوری زخمیها، و دوم - برای جمع آوری مرده ها. سپس برای تضمین ادامه عملیات و بستن آوردن و ذله کردن، به پیادکردن نیروهای جدید مبادرت میورزند.

کشف کمین: وقتیکه سروصداها و خش خش گامهای یکی از گشتی های چریکها یا پیشمرگه ها، یارو- شنائی نورافکنهای ضد چریک، وجود یک گروه چریکی را آشکار میکند، این یقین پیش میآید که: در آن حوالی دامی برای ضد چریک فراهم شده است. **در اینحال: 1 -** ضد چریک میکوشد که محل کمین را محاصره کند، 2 - سربازان راه پیمائی خود را متوقف میکنند، 3 - بحال کاملاً بی حرکت در میآیند، 4 - در همین حال میکوشند که با پاسگاه فرماندهی خود تماس برقرار کنند، 5 - سپس واحدهائی که از طریق هوا به محل منتقل شده اند، نقاط مرتفع قابل عبور و نزدیکترین فضاهای روباز اطراف را اشغال میکنند، و از همین نقاط عملیات محاصره خود را بمورد اجرا در میآورند، 6 - پس از رفت آمدهای متعدد، هلیکوپترها از محل دور میشوند، 7 - در حالیکه ضد چریکها با احتیاطهای فراوان به پیشروی خود ادامه میدهند، یک راهنما... و در صورت عدم دسترسی بآن یکی از افراد خود را با حدود 60 متر فاصله با پیشقراولان جلو اعزام میدارند، یا در حالیکه از کوره راهها یا جای پاها ((رد چریک یا گریلا)) دور میشوند، 8 - یک دسته از آنها برای نمایش دادن خود در ارتفاعات و جنگل بالا و پائین میروند: باین قصد که با حمله کردن از عقب: چریکها یا پیشمرگه های سرپست های نگهبانی را غافلگیر کنند... در همین فاصله، دسته های دیگر - در جهات دیگر، همین کار را تکرار می کنند، در حالیکه گروه های کمکی نیروهای خود را برا تحقق پذیر کردن محاصره مصروف میدارند، 9 - در صورتیکه موقعیت محل انجام این عملیات را اجازه ندهد، ضد چریک با پیمودن همان کوره راه بجای اول خود بر میگردد و تقاضا میکند که هلیکوپترها یا نیروی هوائی "با هوا پیما" محل را بمباران کند.

حیله های دیگر: ضد چریک همینکه محل را کشف کرد، دوان دوان فرود میآید و در همانحال شلیک میکند تا چریکها یا پیشمرگه هائی که آنها را تعقیب میکنند، بدام ضد کمینی بیافتند که گروه عقبدار ضد چریک فراهم کرده است. ضد چریک سعی میکند که موقعیت قبل از تماس دائم را

حفظ کند ، در همین حال ، بطور خستگی نا پذیر سعی میکند که نیروهای غیر منظم : (گریلاها یا چریکها) را از امتداد ارتفاعات " بلندیها " به بیرون براند. چراگاهها ، مزارع گندم و جو ، رودخانه ها . . . بارانهای شدید ، میتوانند به چریکها در محو کردن جای پاهای و نشانهای دیگری دهنده.

تکوین محور تاکتیکی ضد چریک در : شیوه ذله کردن و بستن آوردن :

امکان ایجاد هرگونه مواضع ثابت از قبل - و برپا داشتن اردوگاهها ، پایگاهها و ایجاد مناطق دفاع از خود را ، برای چریکها یا پارتیزانها غیر ممکن میسازد ، موضعی که " چریک و گریلا - یا پارتیزان و پیشمرگه " ها میتوانند ماموریت توده ائی ، استراحت کردن ، تمرین کردن ، برای خود آذوقه تهیه کردن و حتی امکان دفاع از این مواضع را غیر ممکن سازد.

این نکته را بهیچوجه نباید فراموش کرد : وقتی که ضد چریک اطمینان مییابد که موقعیت تماس مستقیم فراهم است برای غافلگیر کردن چریکها یا پارتیزانها ، سکوت عمیق و ممتدی را بوجود میآورد : (نه پرواز هلیکوپترها ، نه غرش هواپیماهای جنگی ، نه صدای انفجار سلاحهای سنگین . . . شنیده نمی شوند .

محاصره استراتژیکی :

تمام دهکده ها و دهکوره های همجوار منطقه ائی که در آن جنگ چریکی جریان دارد ، با اضافه کلیه دهکده ها - و دهکوره های نزدیک منطقه عملیاتی ، از طریق نظامی اشغال می شوند و یا پاسگاهها ئی در آن مستقر میکنند.

در مناطق متلاطم ، چهره های جدید بچشم میخورد : واکسی ها ، دستفروشها ، عکاسهای دوره گرد ... و غیره . تمام راههای ورود باین مناطق بسته میشوند و این را **اصطلاحاً : چفت و بست گذاشتن میگویند** . ماموران مخفی ، اتوبوسها و کاروانهایی را که از مناطق جنگی میگذرند ، کنترل میکنند . و بموازات آن تدابیر دیگری از قبیل جیره بندی خواربار ، تقویت منازل ، و ارسای اوراق هویت اشخاص و ثبت شماره ماشینها ، با شدت و قدرت انجام میگیرد . اشخاص غریبه بطور استثناء نا پذیرمورد بازجوئی قرار میگیرند و بعنوان تدابیر احتیاطی زندانی میشوند . و در مناطق روستائی بر اساس مصوبه ای که بتصویب میرسد ، دستور داده میشود هرکس بین ساعت (6 بعد از ظهر و 5 صبح) مشاهده شد ، مورد هدف قرار گیرند . وظیفه اینکاربان دسته از افراد ارتش و آگذار میگردد که تعلیمات نظامی کمتری دیده اند ، ولی سرویسی که این افراد را رهبری میکند ، در کار خود بینهایت مهارت دارند .

فرماندهی محاصره استراتژیکی و پایگاه تیپ انتخاب شده برای این عملیات ، در یکی از شهرها و یا یکی از حومه

های مهم اطراف منطقه ئی که در آن جنگ چریکی جریان دارد ، مستقر می شود.

عمل اشباع کردن :

این شیوه مبتنی بر بنا کردن پا سگاههای کوچک نظامی و حمایت و مراقبت است ، و تعداد افراد هر پاسگاه بین 40 تا 60 نفر است که در داخل منطقه عملیات بگشت و مراقبت میپردازند. این پاسگاهها که در نقاط مرتفع بنا میشوند دارای یک میدان وسیع دید میباشند - و بطور دائم : زمینهای پوشیده ، دهکوره ها ، جاده های بزرگ ، راهها ، چمنزارها . . . و غیره را مورد مراقبت قرار میدهند. **ضد چریک** در زمینهای مسطح میتواند از برجهای مراقبت و دیدبانی استفاده میکند. در بین پاسگاهها علاوه بر تماس رادیویی رفت و آمد گشتی ها نیز صورت میگیرد . . . و کوهستانها نیز مورد مراقبت قرار میگیرند : **در هنگام روز** ، دودها را می پایند - و **در هنگام شب** ، انعکاس آتش ها را که در جای نامناسبی برپا شده اند ، و هر یک از این دو نشانهء جالبی است برای واحد های ضد چریک بمنظور برقراری **موقعیت قبل از تماس دائمی** . . . و نیز برای نیروهای هوایی " **هلیکوپترها** " بمنظور پیاده کردن گروههای ضد چریک و بمباران کردن آنها . عوعوسگها ، حرکت آدمها یا سوسوی روشنائی ها ، **پس از ساعت 9 شب** ، سبب میشوند که : در سپیده دم روز بعد ، یک محاصرهء تاکتیکی و عملیات شناسائی صورت بگیرد. اگر ذخیره ها و آذوقه های تهیه شده بیش از نیاز خانواده ائی کشف شود ، یا کفشها تنیس بیش از تعداد معمول مشا هده گردد - و یا ((هر چیز دیگری که نشاندهندهء حضور چریکها در آن حوالی باشد ، بدست نیروهای دولتی بیا-فتند)) مالک آن اشیاء مورد باجوئی قرار خواهد گرفت . اگر از این باجوئی جان سالم بدر برد ، زندانی یا تبعید خواهد شد.

این پاسگاهها غالباً در چند کیلومتری کوهستان ، در مزارع متروک که چند برج و باری ابتدائی بر آن ساخته اند ، قرار دارد. میدان دید آنها معمولاً محدود است ، و آذوقه و خواربار از راه هوا بافراد میرسد .

این پاسگاهها اساساً بمنظور حمایت از واحدهائیکه وظیفهء برقراری **موقعیت قبل از تماس دائمی** - و یا برنامهء بستوه آوردن و ذله کردن را بعهده دارند ، برپا شده اند.

هر چند که تعداد ضد چریک : محاصرهء استراتژیکی - و عمل اشباع ، مناسب ترین شکل اشغال مناطق عملیاتی یا یگاه چریکی را تشکیل میدهد ، قدر مسلم هیچ رژیم استعماری و یا نواستعماری ، با وجود داشتن نیروی عقیدار خود در مراکز شهری ، علاقمند نیست که خود را مجبور باشغال مناطق کوهستانی یا جنگلی بنماید.

باین دلیل ساده که : برای آنها این عمل دارای یک مفهوم منفی و خالی از هرگونه فایدهء اقتصادی - و لوچستیکی می باشد. مضافاً اعمال این شیوه ها سبب میشوند که قسمت عظیم نیروهای آنها متفرق و پراکنده شوند و هزینهء آن نیز در مقام مقایسه با فایدهء خیلی زیاد و روزافزون میباشد . **با اینهمه** ، ضد شورش برای اینکه در مقابل جبههء مسلح جایی نماند و تسلیم نشود ، و امکان سازماندهی به پایگاههای جنگ چریکی - و یا پارتیزانی را در اختیار چریکها نگذارد و به آنها فرصت ندهد که مسائل لوچستیکی " ترارکاتی" خود را حل و فصل کنند ، چاره ائی جز این ندارد که با چریکها - و جنگ چریکی بمبارزه برخیزد.

ولی محاصرهء استراتژیکی از خارج - و عمل اشباع از داخل ، بدلیل وسعت منطقه ائی آزادانه برای عملیات چریکی انتخاب شده است ، برنامهء بستوه آوردن یا ذله کردن را بیفایده - یا دارای اثر محدود خواهد نمود.

از این نظر ضد چریک با جاده صاف کنی بی وقفه و لاینقطع ، قادر خواهد شد که فضاهای خالی منطقه ائی را که چر-یکها برای استقرار اردوگاههای عملیاتی خود بآن احتیاج دارند ، اشباع کند.

عالیترین درجه تاکتیهای " ضد شورش " برای نابود کردن

کمین یا دام گستری : شیوه رنجر ، عبارتست از ادغام تاکتیهای متعدد چریکها با روشهای عملیاتی خاص

خودشان . ضد چریک با برخورداری از این مزیت یک تکیه گاه لوچستیکی " تدارکاتی " محکم ، بسادگی میتواند واحدهایش را چند روزی در پی بقصد استفاده کردن از تاثیر غافلگیری ، بمنظور تصفیه کردن تشکیلات چریکها یا

گریلاها ، در حالت کمین نگه دارد.

محلهاییکه معمولا برای دام گسترده و کمین کردن از آنها استفاده میکنند عبارتند از : 1 - تقاطع راهها ، 2 - کوره راههاییکه در آنها نشانه چریکها یا پیسمرگه ها فراوان بچشم خورده است ، 3 - پیوستگاه ورود خانه ها و سایر گذرگاههای اجباری پلها ، 4 - جاده ها و معبرهای ایجاد شده در حوالی دهکوره ها ، 5 - و همچنین شاهراه ها و تپه های مسلط بفضا های پوشیده .

نیروهای دولتی با کمین کردن در کوره راهها ، جاده ها و معبرها ، معمولا میگذارند که گروه پیشتاز و گشتی های شناسائی چریکها یا پارتیزانها عبور کنند : بقصد اینکه بتوانند تیرهای خود را بطرف ستون اصلی چریکها متمرکز سازند . آرتش با علم باینکه گشتیهای شناسائی در اینحال ممکن است بد و قسمت تقسیم کنند : 1 - یک دسته را بحال کمین نگه داشته ، 2 - بقیه افراد را با د ر نظر گرفتن نشانه ها دنبال کنند.

از میان حیلہ های متعدد میتوان از این حیلہ نامبرد : ضد چریک برای غافلگیر کردن چریکها یا گریلاها (پس از فرار داوطلبانه روستائیان و چهارپایان) ، عادت دارد که چند چهارپا را بعنوان " تله " در چراگاهها رها کرده و در کمین بنشیند تا بازدید کنند گان گرسنه (چریکها یا پیسمرگه ها) از راه برسند.

هدف جنگ ما : از بین بردن جنگ و رسیدن به صلح و آزادی است.

هدف جنگ اشغالگران سزمین ما : انکار تاریخ و حقیقت ، ادامه سرکوب و

اختناق . . . و بالاخره ، ژنوساید است؟!.

از : سرهنگ چیا

ما نوتسه دون " رهبر سیاسی و نظامی چین " در جنگ با امپریالیزم ژاپونی چنین میگوید : ((**اولا** - وقتی نیروی خصم در مقابل ما زیاد است مصلحت نیست که نبرد کنیم ، **ثانیا** - وقتی که نیروی دشمن در مقابل ما زیاد نیست ولی بواحدهای همسایه خود زیاد نزدیک است گاهی مصلحت نیست

که بجنگیم ، **ثالثا** - وقتی نیروی دشمن منفرد است ولی مواضع بسیار مستحکم در اختیار دارد مصلحت نیست نبرد کنیم ، **رابعا** - وقتی امکان پیروزی نبرد در میان نیست نباید به نبرد ادامه دهیم . ((

در تمام این موارد که : برشمردم ما باید آماده رفتن باشیم ، زیرا : رفتن در چنین مواردی جایز و ضروریست ، و قبول رفتن مبتنی بر قبول ضرورت نبرد است.

بعبارت واضحتر : پرهیز از برخورد با دشمن نیرومند ، حمله به دشمن ناتوان ، اینست فلسفه جنگ : (چریکی یا گریلائی) . خیالبافیها ، قهرمان نمائیها ، احساساتی شدن ها . . . میوهائی جز شکست و ناکامی برای واحد چریکی " پارتیزانی " بیار نمیآورد.

محاصره تاکتیکی

هرپورش ضد چریک بریک گروه یا واحد چریکی " پیشمرگه " بیاری دسته های توپخانه سبک و واحدهای هوا برد صورت میگیرد ، و هدفش در یک فاصله کوتاه یا دراز مدت : جمع کردن کلیه امکانات و شرائط لازم برای محاصره تاکتیکی میباشد . هما نظریکه قبلا متذکر شد ه ام ، در شکلهای مختلف تماس مستقیم - موقعیتهای فراوانی بدستشان میافتد ، و در نتیجه برش از چریکها " گریلاها " میتوانند از موقعیتهای بهره برداری کنند.

زیرا : کلیه عملیات آنها بر اساس عوامل : 1 - محل مساعد ، 2 - تدابیر امنیتی ، 3 - وقت کافی برای اجرا پایه گذاری شده است . **یک مثال** : صبح یک روز " ضد چریک " در محلهائیکه بر قسمتھائی از تپه های بی درخت یا دره ای یا گیاهان کوتاه و ناچیز مسلط بود ، یک گروه اونیروهای غیر بنظم " گریلا " را که بر اثر برنامه ذله کردن یا بستوه آوردن یک واحد دیگر ارتش بان طرف رانده شده بود ، غافلگیر میکند . وقتیکه واحد چریکی بدام میافتد ، برای مبارزه کردن سماجت بخرج میدهند ، و یا ناگزیر به انجام آن میشوند ((**در اینحال ثابت نگه داشته شده اند**)) و این کار بدشمن اجازه میدهد که قسمت مهمی از روز را به پیاده کردن واحدهای خود از هوا اختصاص دهد ، **زیرا** : بهمان اندازه که زمان نبرد بطول انجامد بهمان حد نیز حلقه محاصره تنگتر میشود . . . بنحویکه برای زنده ماندگان شانس کمتری باقی میماند که در هنگام شب بتوانند حلقه محاصره را بشکنند.

ولی غالبا چون هلیکوپترها نمیتوانند در زمینهای جزباندازه کافی دوران میان نبرد نیرو پیاده کنند ، در چنین شرا-طی ضد چریک فرصت محاصره را پیدا نمیکند ، و باین قناعت میورزد که بکمک نیروهای منتقل شده از راه هوا ، کمینھائی را برپا سازند - و عملیات محاصره را به فرصت دیگری واگذار کنند . به تعبیر دیگر : وقتیکه چریکها " پارتیزانها " از جنگ یک کمین یا مانورد رتنگا افتادن ، خارج و خود را خلاص میکنند ، **باید در نظر داشت خط محاصره در حدود 72 ساعت بطور جدی باقی میماند** . بنا بر این چریکها یا پیشمرگه ها لازم است که بانجام یک راه پیمائی اجباری ((**روز و شب**)) برای تامین یک ایمنی نسبی ((**لااقل 24 ساعت راه پیمائی**)) تن در دهند . **بویژه** ، وقتیکه محلها را خوب شناسند - یا اینکه این محلها دارای قسمتھای وسیعی باشند با درختان و گیاهان کم و ناچیز ، و یا اینکه اطراف آنها را ارتفاعاتی احاطه کرده باشد . . .

د ر اینحالات : اگر دشمن دارای دید بان و کنترل خوب باشد ، چریکها یا گریلاها باسانی ممکنست دوباره بچنگ دشمن بیافتند.

در آنجائیکه منطقه عمل ، کوهسانی یا جنگلی است ، پیاده کردن نیرواز هوا امکان کمتری دارد و مشکلات ناشی از عبور از مرحله : ذله کردن و بستوه آوردن بمرحله ثابت نگهداشتن . . . و سپس بمحاصره تاکتیکی ، برآید دشمن بسیار بزرگ و شدید خواهد بود. **بنا براین** ، از عبارات قبلی چنین نتیجه میگیریم که : وقتی که چریکها یا پیشمرگه ها دهکده ائی را اشغال میکنند - یا هدف واقع شده ائی را در یک زمین کم گیاه و درخت را مورد حمله قرار میدهند ، هیچوقت نباید فراموش کنند که نیروهای ضد چریک در همان حالیکه برای برقراری موقعیت قبل از تماس دائمی از طریق برنامه : ذله کردن و بستوه آوردن و یا تعقیب لاینقطع تلاش میکنند ، در همانحال نیز می کوشند که راه عقب نشینی چریکها یا پیشمرگه ها را قطع کنند. ولی وقتی که جنبش چریکی یا پارتیزانی هنوز شانس " ادامه حیات مسلحانه " را از دست نداده است ، اگر مرتکب اشتباه شود و از روی میل و قصد ((**ونه اجبار دشمن**)) ، در پایگاهها و اردوگاهها ، خود را ثابت نگهدارد ، نقطه قابل هدف گیری را دستوری به دشمن تقدیم میکند ، **و در آنحال :** دشمن میتواند به یورشهای تمرکز یافته و نابود کننده ائی مبادرت ورزد و مواضع آنها را با خاک یکسان کند.

نظم شیوه های مورد اجراء بوسیله ضد چریک در حال مبارزه با یک واحد چریکی - پارتیزانی :

این نظم ، بر حسب اینکه یک واحد مسلح در یک منطقه تهیه و آماده شده یا یک ناحیه جنگ چریکی فعالیت میکند و یا اینکه واحدی که بر اساس منطقه دفاع از خود " گریلا یا پیشمرگه " برپا شده و توفیق یافته است که بموقع ، منا - طقش را باز شناساند - میتواند فرق کند. معمولاً نظم تعقیب شده بشرح زیر است :

زیرکی و رخنه گری : برای اینکه از نکرمثالهای متعدد خودداری کنم ، بذکر دو مثال اکتفا میکنم : 1 - ارتش یک زن زیبائی را بعنوان معلم استخدام میکند. این زن خود را شیفته و دلباخته فرماندهی چریکها یا گریلاها نشان میدهد ، بنحوی که در زمان اجرای حکم تیرباران فرمانده درخواست میکند که او را بکشند ، 2 - یکی دیگر از مامور - ران مخفی ، راه دیوانگی و خل بازی را برمیزیند - و با بستن زنگوله های پرسرو صدا بپای خود ، در کوچه ها و محله ها راه میرود و خل بازی را در میآورد.

عملیات مدنی : وقتی که عملیات مدنی با شکست مواجه - یا نتایج ناچیزی را ببار میآورد ، جای این برنامه با برنامه فرار داوطلبانه روستائیان عوض میشود. **مخصوصاً :** 1 - روستائیان که طرفدار جنگ چریکی هستند و یا از در اختیار قرار دادن اطلاعات و اخبار مربوط به " چریکها یا پیشمرگه ها " خودداری و از برگزاری تماس با نیروهای دولتی نفرت دارند ، آنها بیشتر مورد این برنامه قرار میگیرند ، 2 - تمام ساکنین دهکوره های دور افتاده - و منزوی مجبور می شوند که خانه و زندگی خود را رها کنند ، 3 - ارتش چهار پایانشان را ضبط میکند و مزارع شا - نرا ویران میسازد و آنها را در محله یا دهات نزدیک و قابل کنترل جمع آوری میکند.

محصره استراتژیکی: در حالت وجود منطقه دفاع از خود "گریلا یا پیشمرگه" عملیات تعیین محل و موضع کردن با دقت خاصی صورت میگیرد. نظر بر اینکه مناطق عملیاتی از قبل به وسیله ضد شورش مورد مطالعه قرار گرفته است، لذا هر یک از آن مناطق در همان لحظات اول یورش از نظر نظامی اشغال میگردد.

موقعیت قبل از تماس دائمی - یا برنامه ذله کردن و بستن آوردن: واحد چریکی یا پارتیزانی در منطقه با صلاح دفاع از خود: یورش ضد چریک همواره متعاقب یک بمباران - و آتش شدید سلاحهای سنگین، و پیاده کردن نیرو از طریق هوا، صورت میگیرد، و بعنوان آغاز کار: برنامه ذله کردن و بستن آوردن در امتداد کوره راهها و جاده ها بمورد اجراء در میآورند.

عملیات اشباع کننده: در مناطق دفاع از خود، عمل اشباع کردن بهمان شیوه ذکر شده در بخش های قبلی اجراء میگردد: بر روی مناطق مسلط بر منطقه وسیع پایگاههای کوچک حمایتی - و دیدبانی قرار میدهند که هر یک از این پایگاهها منطقه مربوط به خود را کنترل میکند. سپس عمل اشباع کردن با اشغال مناطق عملیاتی، بطرف مناطقی که چریکها یا پارتیزانها تغییر محل میدهند، توسعه و گسترش مییابد.

جنگ روانی: این شیوه همواره تحت شکلهای متعدد "و بدون وجود راه حل برای ادامه آن"، بوسیله سازمان های امنیت نظامی متخصص در امور "قلب و وارونه" کردن وقایع - و انتشار اخبار دروغین، اعمال میشود، و برای اجرای این شیوه از: 1 - مطبوعات، 2 - نامه های بی نام یا با اسم مستعار، 3 - نوشته های روی دیوار، 4 - و پچ پچ های برای علم کردن تهدیدها، 5 - و جازدن جاسوسان و ماموران مخفی بعنوان انقلابیون تحت تعقیب، و بعکس، 6 - معرفی کردن انقلابیون بعنوان ماموران مخفی و جاسوسان، استفاده میکنند.

و در این کار تا آنجا پیش میروند که: روستائیان را بطور دستجمعی قتل و عام میکنند و انجام آت را به "چریکها یا گریلاها" نسبت میدهند، یا اینکه سرها و بدنهای شقه شقه شده "انقلابیون" را برای درس عبرت گرفتن روستائیان بمعرض نمایش میگذارند.

بطور خلاصه: باید خاطر نشان کرد که حملات و یورشهای ضد چریک همواره با یک برنامه وسیع ملی بنام "جنگ روانی" همراه میباشد.

بطوریکه: فرانسيسكو پرادا (دبير جبهه رهائيبخش ملی ونزوئلا)، این نکته جالب را چنین بیان میکند بخاطر دارم که چطور روحیه افراد یک واحد فرماندهی "بود یلیولو" در جنوب فالكون ضعیف شده بود، بعدی که تمام افرادش در صد د این بودند که میدان نبرد را رها کنند . . . دشمن (با استعمال تمام نامها و نامهای مستعار دقیق افراد واحد ما) اینطور باورانده بود که واحد ما بطور کامل مضمحل و نابود شده است . . . حقیقت این بود که ما حتی یک نفر از افراد خود را از دست نداده بودیم . . . ما بطرف منطقه دیگری تغییر محل داده بودیم، و اینکار مانع از آن شده بود که در مکان و زمان تعیین شده با فرمانده مذکور تماس برقرار کنیم . . . بدینگونه خبر ((دروغین)) کشته شدن تمام افراد ما، تا به آن حد، روحیه همراهان ما را از بین برده بود . . . زیرا در آن زمان، ما هنوز از این شیوه دشمن که مبتنی بر انتشار اخبار و شایعات "ساختگی و دروغین" است ما بی اطلاع بودیم.

ولی ضد شورش ، همه جا با شدت وضعف موثر بودن ، در مبارزه خود علیه جنبشهای رهائیبخش ، شیوه یک نواختی را بکار میبرد. با این تفاوت : اگر در یک مرحله مشخص ، بخاطر دلایل متفاوت ، دشمن عملیات ذکر شده در صفحات قبل را بمورد " اجراء " در نمیآورد ، واگر نیروهای ضربتی اش نمیتوانند تاکتیکهای تشریح شده در فوق را بمورد اجراء در آورند ، علتی جزء این ندارد که نیروهای : (**ضد شورش و ضد چریک**) کمتر از حد لازم ، رشد و توسعه یافته اند . فقط کافی نبودن انگیزه جوئیهای " اجتماعی ، اقتصادی . . . یا فقدان یک حزب واقعا (ملی - انقلابی) ، میتواند مجموعه نشانه ها و علائمی را که مانع از گسترش سریع جنگهای (چریکی - گریلائی) می شوند.

حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما " خودی " ادامه دارد.

هدف جنگ ما : از بین بردن جنگ و رسیدن به صلح و آزادی است.

هدف جنگ اشغالگران سزمین ما :

انکار تاریخ و حقیقت ، ادامه سرکوب و اختناق . . . و بالاخره ، ژنوساید است؟! .

ما نوتسه دون " رهبر سیاسی و نظامی چین " در جنگ با امپریالیزم ژاپونی چنین میگوید : ((**اولا** - وقتی نیروی خصم در مقابل ما زیاد است مصلحت نیست که نبرد کنیم ، **ثانیا** - وقتی که نیروی دشمن در مقابل ما زیاد نیست ولی بواحدهای همسایه خود زیاد نزدیک است گاهی مصلحت نیست که بجنگیم ، **ثالثا** - وقتی نیروی دشمن منفر د است ولی مواضع بسیار مستحکم در اختیار دارد مصلحت نیست نبرد کنیم ، **رابعا** - وقتی امکان پیروزی نبرد در میان نیست نباید به نبرد ادامه دهیم .))

در تمام این موارد که : بر شمر دم ما باید آماده رفتن باشیم ، زیرا : رفتن در چنین مواردی جایز و ضروریست ، و قبول رفتن مبتنی بر قبول ضرورت نبرد است.

بعبارت واضحتر : پرهیز از برخورد با دشمن نیرومند ، حمله به دشمن ناتوان ، اینست فلسفه جنگ : (چریکی یا گریلائی) . خیالبافیها ، قهرمان نمائیها ، واحساساتی شدن ها . . . میوهائی جز شکست و ناکامی برای واحد چریکی " پارتیزانی " ببار نمیآورد.

محاصره تاکتیکی

هریورش ضد چریک بریک گروه یا واحد چریکی " پیشمرگه " بیاری دسته های توپخانه سبک و واحدهای هوا برد صورت میگیرد ، و هدفش در یک فاصله کوتاه یا دراز مدت : جمع کردن کلیه امکانات و شرائط لازم برای محاصره تاکتیکی میباشد. هما نظوریکه قبلا متذکر شد ه ام ، در شکلهای مختلف تماس مستقیم - موقعیتهای فراوانی بدستشان میافتد ، و در نتیجه برش از چریکها " گریلاها " میتوانند از موقعیتهای بهره برداری کنند.

زیرا : کلیه عملیات آنها بر اساس عوامل : 1 - محل مساعد ، 2 - تدابیر امنیتی ، 3 - وقت کافی برای اجراء پایه گذاری شده است . **یک مثال :** صبح یک روز " ضد چریک " در محلهائیکه بر قسمتهائی از تپه های بی درخت یا دره ای یا گیاهان کوتاه و ناچیز مسلط بود ، یک

گروه اونیروهای غیر بنظم " گریلا " را که بر اثر برنامه ذله کردن یا بستوه آوردن یک واحد دیگر ارتش بآن طرف رانده شده بود ، غافلگیر میکند . وقتیکه واحد چریکی بدام میافتد ، برای مبارزه کردن سماجت بخرج میدهند ، ویا ناگزیر به انجام آن میشوند ((**در اینحال ثابت نگه داشته شده اند**)) واین کار بد شمن اجازه میدهد که قسمت مهمی از روز را به پیاده کردن واحدهای خود از هوا اختصا ص دهد ، **زیرا** : بهمان اندازه که زمان نبرد بطول انجامد بهمان حد نیز حلقه محاصره تنگتر میشود . . . بنحویکه

برای زنده ماندگان شناس کمتری باقی میماند که در هنگام شب بتوانند حلقه محاصره را بشکنند.

ولی غالباً چون هلیکوپترها نمیتوانند در زمینهای جزباندازه کافی دور از میان نبرد نیرو پیاده کنند ، در چنین شرا-طی ضد چریک فرصت محاصره را پیدا نمیکنند ، وباین قناعت میورزد که بکمک نیروهای منتقل شده از راه هوا، کمینهای را برپا سازند - و عملیات محاصره را به فرصت دیگری واگذار کنند. به تعبیر دیگر: وقتیکه چریک ها " پارتیزانها " از چنگ یک کمین یا مانورد رتنگا افتادن ، خارج و خود را خلاص میکنند ، **باید در نظر داشت خط محاصره در حدود 72 ساعت بطور جدی باقی میماند** . بنا بر این چریکها یا پیشمرگه ها لازم است که بانجام یک راه پیمائی اجباری ((**روز و شب**)) برای تامین یک ایمنی نسبی ((**لااقل 24 ساعت راه پیمائی**)) تن در دهند. **بویژه** ، وقتیکه محلها را خوب شناسند - یا اینکه این محلها دارای قسمتهای وسیعی باشند با درختان و گیاهان کم و ناچیز ، ویا اینکه اطراف آنها را ارتفاعاتی احاطه کرده باشد . . . **در اینحالات** : اگر دشمن دارای دید بانی و کنترل خوب باشد ، چریکها یا گریلاها باسانی ممکنست دوباره بچنگ دشمن بیافتند.

در آنجائیکه منطقه عمل ، کوهسانی یا جنگلی است ، پیاده کردن نیرو از هوا امکان کمتری دارد ومشکلات ناشی از عبور از مرحله : ذله کردن و بستوه آوردن بمرحله ثابت نگهداشتن . . . و سپس بمحاصره تاکتیکی ، برآید شمن بسیار بزرگ و شدید خواهد بود. **بنا بر این** ، از عبارات قبلی چنین نتیجه میگیریم که : وقتیکه چریکها یا پیشمرگه ها دهکده ای را اشغال میکنند - یا هدف واقع شده ای را در یک زمین کم گیاه و درخت را مورد حمله قرار میدهند ، هیچوقت نباید فراموش کنند که نیروهای ضد چریک در همان حالیکه برای برقراری موقعیت قبل از تماس دائمی از طریق برنامه : ذله کردن و بستوه آوردن ویا تعقیب لایقطع تلاش میکنند ، در همانحال نیز می کوشند که راه عقب نشینی چریکها یا پیشمرگه ها را قطع کنند. ولی وقتیکه جنبش چریکی یا پارتیزانی هنوز " شانس " ادامه حیات مسلحانه " را از دست نداده است ، اگر مرتکب اشتباه شود واز روی میل و قصد ((**ونه اجبار دشمن**)) ، در پایگاهها و اردوگاهها ، خود را ثابت نگهدارد ، نقطه قابل هدف گیری را دودستی به دشمن تقدیم میکند ، **و در آنحال** : دشمن میتواند به یورشهای تمرکز یافته ونابود کننده ای مبادرت ورزد و مواضع آنها را با خاک یکسان کند.

نظم شیوه های مورد اجراء بوسیله ضد چریک در حال مبارزه با یک واحد چریکی - یا پارتیزانی :

این نظم ، بر حسب اینکه یک واحد مسلح در یک منطقه تهیه و آماده شده یا یک ناحیه جنگ چریکی فعالیت میکند و یا اینکه واحدی که بر اساس منطقه دفاع از خود " گریلا یا پیشمرگه " برپا شده وتوفیق

یافته است که بموقع ، منا - طقش را بازشناساند - میتواند فرق کند. معمولا نظم تعقیب شده بشرح زیر است:

زیرکی ورخنه گری: برای اینکه از ذکر مثالهای متعدد خودداری کنم ، بذکر دو مثال اکتفا میکنم : 1 - ارتش یک زن زیبایی را بعنوان معلم استخدام میکند. این زن خود را شیفته و دلباخته فرماندهی چریکها یا گریلاها نشان میدهد ، بنحوی که در زمان اجرای حکم تیرباران فرمانده را خواست میکند که او را بکشند ، 2 - یکی دیگر از ماموران مخفی ، راه دیوانگی و خل بازی را برمیزیند - وبا بستن زنگوله های پرسروصدا بپای خود ، در کوچه ها و محله ها راه میرود و خل بازی را در میآورد.

عملیات مدنی: وقتی که عملیات مدنی با شکست مواجه - یا نتایج ناچیزی را ببار میآورد ، جای این برنامه با برنامه فرار داوطلبانه روستائیان عوض میشود. **مخصوصا:** 1 - روستائینی که طرفدار جنگ چریکی هستند و یا از در اختیار قرار دادن اطلاعات و اخبار مربوط به "چریکها یا پیشمرگه ها" خود داری و از برگزاری تماس با نیروهای دولتی نفرت دارند ، آنها بیشتر مورد این برنامه قرار میگیرند ، 2 - تمام ساکنین دهکوره های دور افتاده - و منزوی مجبور می شوند که خانه و زندگی خود را رها کنند ، 3 - ارتش چهار پایانشان را ضبط میکند و مزارع شا - نرا ویران میسازد و آنها را در محله یا دهات نزدیک و قابل کنترل جمع آوری میکند.

محاصره استراتژیکی: در حالت وجود منطقه دفاع از خود " گریلا یا پیشمرگه " عملیات تعیین محل و موضع کردن با دقت خاصی صورت میگیرد . نظر باینکه مناطق عملیاتی از قبل به وسیله ضد شورش مورد مطالعه قرار گرفته است ، لذا هر یک از آن مناطق در همان لحظات اول یورش از نظر نظامی اشغال میگردد.

موقعیت قبل از تماس دائمی - یا برنامه ذله کردن و بستن آوردن " واحد چریکی یا پارتیزانی " در منطقه با صلاح دفاع از خود : یورش ضد چمریک همواره متعاقب یک بمباران - و آتش شدید سلاحهای سنگین ، و پیاده کردن نیرو از طریق هوا ، صورت میگیرد ، و بعنوان آغاز کار: برنامه ذله کردن و بستن آوردن در امتداد کوره راهها و جاده ها بمورد اجراء در میآورند.

عملیات اشباع کننده: در مناطق دفاع از خود ، عمل اشباع کردن بهمان شیوه ذکر شده در بخش های قبلی اجراء میگردد : بر روی مناطق مسلط بر منطقه وسیع پایگاههای کوچک حمایتی - و دیدبانی قرار میدهند که هر یک از این پایگاهها منطقه مربوط به خود را کنترل میکند. سپس عمل اشباع کردن با اشغال مناطق عملیاتی ، بطرف مناطقی که چریکها یا پارتیزانها تغییر محل میدهند ، توسعه و گسترش مییابد.

جنگ روانی: این شیوه همواره تحت شکلهای متعدد " و بدون وجود راه حل برای ادامه آن " ، بوسیله سازمان های امنیت نظامی متخصص در امور " قلب و وارونه " کردن وقایع - و انتشار اخبار دروغین ، اعمال میشود ، و برای اجرای این شیوه از : 1 - مطبوعات ، 2 - نامه های بی نام یا با اسم مستعار ، 3 - نوشته های روی دیوار ، 4 - و پچ پچ هایی برای علم کردن تهدیدها ، 5 - و جازدن جاسوسان و ماموران مخفی بعنوان انقلابیون تحت تعقیب ، و بعکس ، 6 - معرفی کردن انقلابیون بعنوان ماموران مخفی و جاسوسان ، استفاده میکنند.

ودر این کار تا آنجا پیش میروند که : روستائیان را بطور دستجمعی قتل و عام میکنند و انجام آت را به " چریکها یا گریلا ها " نسبت میدهند ، یا اینکه سرها و بدنهای شقه شقه شده " انقلابیون " را برای درس عبرت گرفتن روستائیان بمعرض نمایش میگذارند.

بطور خلاصه : باید خاطر نشان کرد که حملات و یورشهای ضد چریک همواره با یک برنامه وسیع ملی بنام " **جنگ روانی** " همراه میباشد.

بطوریکه : **فرانسيسكو پرادا** (دبیر جبههء رهائیبخش ملی ونزوئلا) ، این نکتهء جالب را چنین بیان میکند بخاطر دارم که چطور روحیهء افراد یک واحد بفرماندهی " بود یلیولو " در جنوب فالکون ضعیف شده بود ، بعدی که تمام افرادش در صد د این بودند که میدان نبرد را رها کنند دشمن (با استعمال تمام نامها و نامهای مستعار دقیق افراد واحد ما) اینطور باورانده بود که واحد ما بطور کامل مضمحل و نا-بود شده است حقیقت این بود که ما حتی یک نفر از افراد خود را از دست نداده بودیم ما بطرف منطقهء دیگری تغییر محل داده بودیم ، و اینکار مانع از آن شده بود که در مکان و زمان تعیین شده با فرماندهء مذکور تماس برقرار کنیم بدینگونه خبر ((**دروغین**)) کشته شدن تمام افراد ما ، تا به آن حد ، روحیهء همراهان ما را از بین برده بود . . . زیرا در آن زمان ، ما هنوز از این شیوهء دشمن که مبتهی برانتشار اخبار و شایعات " ساختگی و دروغین " است ما بی اطلاع بودیم .

ولی ضد شورش ، همه جا با شدت و ضعف موثر بودن ، در مبارزهء خود علیه جنبشهای رهائیبخش ، شیوهء یک نواختی را بکار میبرد . با این تفاوت : اگر در یک مرحلهء مشخص ، بخاطر دلایل متفاوت ، دشمن عملیات ذکر شده در صفحات قبل را بمورد " اجراء " در نمیآورد ، و اگر نیروهای ضربتی اش نمیتوانند تاکتیکهای تشریح شده در فوق را بمورد اجراء در آورند ، علتی جزء این ندارد که نیروهای : (ضد شورش و ضد چریک) کمتر از حد لازم ، رشد و توسعه یافته اند . فقط کافی نبودن انگیزهء جوئیهای " اجتماعی ، اقتصادی . . . یا فقدان یک حزب واقعا (ملی - انقلابی) ، میتواند مجموعهء نشانه ها و علائمی را که مانع از گسترش سریع جنگهای (چریکی - گریلائی) می شوند .

حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما " خودی "

مبارزهء مسلحانه ادامهء سیاست است با وسائل دیگر . برای پیروزی در آن میبایستی قوانین عام و ویژهء آنرا مطالعه و یاد گرفت .

حفظ کردن و توسعه دادن نیروهای ما " خودی "

1 - در نظر داشتن و اجراء کردن کلیهء تدابیر امنیتی ، کاریکه برای یک واحد " چریکی یا گریلائی " خوب تعلیم دیده و مجهز که در منطقهء تهیه و تدارک شده ، بوسیلهء یک کار تدارکاتی سیاسی مخفی عمل میکند ، بسادگی تحقق پذیر است .

2 - از همان آغاز ، اجتناب از ثابت نگهداشته شدن استراتژیکی ... و در هیچ حال نپذیرفتن ثابت نگهداشته شدن تاکتیککی 3 - تا حد امکان بمورد عمل در آوردن روشهای عملیاتی نابود گرانه ، با استفاده

کامل از حربه های غافلگیری ، سرعت عمل ، ایمنی ، و خشونت و شدت عمل ، بنحویکه در محلی که : با دقت مطالعه و شناسائی شده است ، بردشمن ضربه کاری ومهلک وارد آید.

تعلیم و تمرین :

د رپایگاههای تعلیم و تمرین ، باید همیشه مبارزه علیه این فکرو برداشت وجود داشته باشد : از نظر تاکتیکی کمتر از حد - و از نظر استراتژیکی بیشتر از حد واقع ارزیابی کردن دشمن .

تعلیم و تمرین ، و تسلیحات یک واحد " چریکی یا پارتیزانی" مسائل زیر را در بر میگیرد : 1 - آموزش نحوه تشخیص و تمیز بین یک دستور باز و یک دستور بسته (الف - منظور از یک دستور باز : دستوریست که حسب مورد و بر اساس اوضاع و احوال " مثلا در جریان عملیات " مشکلی پیش آید که قبلا پیش بینی نشده بود - در اینجا ل فرمانده گروه عملیات میتواند تغییرات جزئی در برنامه را دستور بدهد " ، یعنی میتواند آنرا تفسیر کرد و یا تغییراتی را در آن داد ، بدون اینکه : روح اصلی یا ماهیت یا هدف غائی آن دگرگون شود. ب - دستور بسته ، عکس دستور باز است ، یعنی باید بدون " چون و چرا - وبدون هیچگونه تفسیری" نعل بنعل اجراء گردد. 2 - تعلیم تشکیلات اورگانیک ستون جنگ " چریکی یا گریلایی" از قبل : ستون بمعنای خاص کلمه ، نیروی عقبدار وفرماندهی.

آموزش انضباط نظامی از قبیل : 1 - شیوه ارائه و ارسال اخبار و اطلاعات ، 2 - نحوه تهیه یک گزارش ، تشریح تکالیف و وظائف گشتیها و پاسگاههای پیشرفته ، 3 - داشتن اطلاع از فنون تیراندازی و مانورها ، 4 - شیوه استفاده از زمین و محل مورد عمل و غیره ، 5 - تعلیم چگونگی تسخیر دهکده ها ، 6 - آموزش نحوه عقب نشینی ، 7 - آموزش و توصیه راه پیمائی " روز و شب " در مدتی بطور متوسط بین (8 تا 12 ساعت) از میان مزارع با باز کردن کوره راهها ، با کوله پشتی بر پشت که وزن آن متدریجا اضافه شود تا به " 24 کیلو" برسد ، 8 - به پیشمرگان یا گریلاهای تازه وارد باید یاد آور کرد که ضد چریک پیش میآید ، یعنی : خطر نزدیک شدن دشمن ... و همواره در تعقیب " پیشمرگه ها و گریلاها " بودن را باید مرتبا به آنها " تازه واردها " یاد آور شد.... بویژه ، در لحظات مشکل از قبیل () ابراز خستگی کردن در مقابل راه پیمائیهایی بی وقفه و طولانی ، با وجود کوله پشتی سنگین و بالا رفتن از کوهها و فرود آمدن از سرازیرها و غیره ((، و بدینگونه آنها را تشویق و ترغیب به مقاومت در برابر مشکلات کرد ، 9 - نحوه بکاربردن احتیاطهای لازم در حین عبور از پلها و تقاطع راهها - و نیز شیوه تشخیص دادن نشانه ها و نحوه محو کردن جای پاها و دیگر نشانه ها ، 10 - بیشتر تمرینهای عملی باید بر روی زمینهای کوهستانی یا جنگلی صورت بگیرد - و بویژه ، شبها همواره در هوای آزاد بسر برده شود ، 11 - آموزش استفاده از مواد منفجره 12 - هر چریک یا پیشمرگه پس از خاتمه دوره تعلیم و تمرین خود باید یک دینامت گذار ماهر و کارگشته از آب درآید و قادر باشد که مینهای الکتریکی را بر روی فاصله های مختلف مستور کرده - و بکار بیندازد ، بتواند پلها را مین گذاری کند 13 - انجام کارهای عملی در زمینه کمین در انواع جاده ها ، ویرانگری با مواد قابل احتراق و انفجار ، 14 - یورش بردن و آزمایش عملیات ذله کردن و بستن آوردن ، 15 - آموزش شیوه مراقبت و نگهداری سلاح و مهمات - و دقت در مصرف نجا و بموقع آن ، 16 - آموزش تاسیسات نبرد از قبیل : سنگرها و گودالها ، تونلها یا پناگاههایی بشکل نقب ها ، با توضیح و تشریح هدفهای خاص هر یک از این استحکامات مثلا ، برای کمین :

علیه شلیک خمپاره اندازها ، پاشیدن ناپالم یا بمبارانهای هوایی ، 17 - تعلیم نحوه گشودن کوره راهها ، طرز استتار کردن ، شیوه برپا کردن چادرها و روشن کردن آتشفشانها ، 18 - آموزش استفاده از دوربینها ، دستگاههای گیرنده و فرستنده و خطوط تلفنی بمنظور غافلگیر کردن مکالمات دشمن و قطع کردن آنها ، 19 - تعلیم نحوه محافظت از خود در مقابل هواپیما و هلیکوپترها ، بویژه ، طرامشاهده وزیر نظر گرفتن هلیکوپترها بر روی زمین ، بمنظور نشان دادن مناسبترین شکل قرار گیرد آنها برای انجام حمله به حساسترین نقاط آنها ، **مثلا** : کابین ، پروانه ، درها ، جناحها و موتور.

بطور کلی : قسمت اعظم دوره تعلیم و تمرین باید (**در حد امکان**) تحت یک رژیم غذایی مقوی و خوب صورت گیرد. از طرف دیگر ، پیشمرگه ها یا گریلاهای تازه وارد باید : (علاوه بر برنامه های عملی - برنامه های فشرده کلاسهای مربوط بسازمانهای سیاسی و تئوریهائی در زمینه جنگهای پارتیزانی یا چریکی) را دنبال کنند.

یاد آوری : فقط از برکردن طوطی و ارواژه ها و اصلاحات کافی نیست ، باید بر روی این نکته باز تاکید کرد که : هر (پیشمرگه یا گریلا) ، **بویژه** ، مسئولان باید آشنائی و شناخت کامل در زمینه تاکتیکهای ضد چریک داشته باشند ، **زیرا** که : مجبورند با دشمن دست و پنجه نرم کنند - **د راینحال** ، پیشمرگه ها و گریلاها نه تنها از عرضه کردن امکانات بد دشمن برای یک پیروزی سهل و آسان اجتناب میکنند ، بلکه در عین حال از محدود کردن خود به ابتدائی ترین شکل جنگ " چریکی یا پارتیزانی " یعنی : ادامه حیات مسلحانه پرهیز کرده اند.

ژنرال وئونگوین جیاب : فرمانده نیروهای مسلح ویتنام در جنگ با امپریالیسم اشغالگر امریکائی ، **میگوید** : (**نظرباینکه هدف شکست دادن دشمن است - تمرین و تعلیم باید با تلاشهای مبارزه انطباق داشته باشد**).

نظربه تفوق کمی و تکنیکی دشمن ، به اولین واحد چریکی یا پارتیزانی شدیداً توصیه میشود که : با بهترین حد آمادگی ممکن ((لاقلاً برای نیمی از افراد خود)) وارد مبارزه شوند... و جای هرگونه نقص و کمبودی را با استعمال منظم مینهای الکتریکی پر کنند. همینکه جنگ و مبارزه آغاز شد ، حدود و میزان تعلیم و تمرین : نقش بسیار مهم خود را در آینده این واحد های " پیشمرگه و گریلا " ایفاء خواهد کرد - و این چیزی نیست که بتوان آنرا بدها و در میدان نبرد بدست آورد... و یا جای خالی آنرا فقط با شهامت و جانبازی پر کرد.

توجه : شیوه کلاسیک و مرسوم در بین سازمانها و احزاب کردی در کردستان بطور اعم - و در کردستان شرقی بطور اخص ، مبتنی بر این بوده و هست که : مراکز آموزشی را البته " **اگر موجود باشد** " ؟ ، در ناحیهائی تحت نفوذ و کنترل یکی از کشورهای متخاصم قرار میدهند ، که شدیداً توصیه میشود از آن اجتناب گردد. زیرا که : در چنین شرائطی ، تاریخ و تجربه مبارزات رهائی بخش خلق ما - و خلقهای دیگر نشان داده اند که : جنگ " **پار-تیزانی یا گریلایی** " نتوانسته است ، حتی تا مرحله جنگ احتیاطی (ابتدائی) آن دوام بیاورند.

آمادگی تکمیلی منطقه تهیه و تدارک شده :

علاوه بر شناسایی نقشه برداری و جغرافیائی منطقه و بخشهای زیرنفوذ ، حوزه ها ، رابط ها و تماسهایی که برای تدارک نبرد بوسیله جنبش رهائیبخش (ملی و انقلابی) بعمل میآید ، مناطق عملیاتی آینده : آمادگی و تدارک اضافی را نیز متوقع است .

همزمان با آغاز نبرد مسلحانه باید از میان " پیشمرگه ها یا گریلا های " محلی که قلمروشان را بخوبی میشناسند ، تعدادی انتخاب شوند - اینها وظیفه دارند که به نسبت منطقه جنگ " چریکی یا پارتیزانی" تعدادی انبار تدارکاتی را که هریک از دیگری در حدود (2 تا 5) روز راه پیمائی دارد ، بوجود بیاورند.

این انبارها باید در محلهایی برپا شوند که بر راحتی قابل دست یابی باشند ، و نیز بتوان در آینده بسادگی آنها را بازیافت و به آنها سرکشی کرد ، بی آنکه کوره راهها و یا جای پاهائی برجا گذاشت ، تا نیروهای دولتی نتوانند آنها را کشف کنند.

هریک از این انبارها باید حاوی مواد و وسائل زیر باشند :

قبل از هر چیز و مخصوصا " تی - ان - تی " ، و نیز نارنجکهای دستی ، سیستم های آتش زنه الکتریکی - فتیله های باروتی ، مهمات برای سلاحهای سبک و سنگین ، مقداری کفش : بهتر است که کفشها از نوع کفشهای تنیس یا پلاستیکی منطبق با شرائط آب و هوای اقلیمی باشد ، قطعات چرم و پلاستیک برای استفاده تعمیر کفشها - پارچه های نفوذ ناپذیر برای چادرها ، مقداری سوزن ، نخ ، و درفش برای تعمیر و دوخت و دوز لباسها ، کفشها و کوله پشتیها ، مقداری قوطیهای کنسرو غذا ، مقداری آنتی بیوتیکها و داروهای مسکن درد و ویتامینها ، تعداد لباس از نوع مورد استفاده پیشمرگه ها یا گریلاها ، جورابها و زیرشلوارها ، **توجه :** (این وسائل باید توی گونیهای نفوذ نا پذیر پیچیده شوند تا به بهترین وضعی محفوظ بمانند).

در جریان عملیات اگر گروههای مسلح در حوالی این انبارها قرار داشتند بهتر اینست که متوقع آن نشوند و این انبارها را منحصرا برای روز مبادا و موارد فوق العاده ضروری ذخیره کنند . وقتیکه تمام این اقدامات خاتمه یافت ، باید وسائل و لوازم مورد نیاز مبارز را بحملی که قرار است بهم ملحق شوند ، منتقل کرد .

تجهیزات لازم برای یک دسته (35) نفری :

11 کیلو ماده تی - ان - تی برای هریک از افراد گروه متخصص در این زمینه ، که گروه مذکور مرکب از : **9 تا 11** نفر میباشد - تعدادی کپسولهای شعله زا ، مقدار کافی کابل باید در بین " پیشمرگه ها یا گریلاها " تقسیم شود که ماده تی - ان - تی را حمل نمیکند ، و همچنین تعدادی چاشنی کوچک انفجار ، هریک از گروههای دسته " **11 نفری** " باید دارای یک سلاح نیم سبکین گروهی از قبیل " آر - پی - جی " با تعداد شش 6 عدد موشک مربوطه باشد ، برای هر پیشمرگه یا گریلا : تعداد **150 تا 200** فشنگ سلاح سازمانی در نظر گرفته شود که لااقل " **5 پنج** " تیر آن از نوع آتش زا باشد - فشنگهای آتش زا برای حمله بپاسگاه اشباع کننده - و هلیکوپترها بکار میرود : (سلاح سازمانی " پیشمرگه یا گریلا " باید در رابطه با سلاحهاییکه دشمن در اختیار دارد انتخاب شود) ، هر پیشمرگه یا گریلا لا اقل باید یک قبضه نارنجک دستی در اختیار داشته باشد ، هر گروه

باید یکدستگاه دوربین بهمراه داشته باشد ، هرگروه چریکی یا پارتیزانی باید 5 تا 6 قبضه اسلحه کمری " هر دوفریک قبضه " در اختیار داشته باشد.

دسته چریک علاوه بر مواد و لوازم مربوط به نظافت و نگهداری از سلاح ، باید سه دستگاه گیرنده و فرستنده - سه دستگاه قطب نما و تعدادی از نقشه های نظامی منطقه (مورد عمل) را در اختیار داشته باشد.

سنگینی بار لوچستیکی " تدارکاتی " باید به نسبت بین " چریکها یا گریلاها " قسمت شود ، بدین ترتیب آنهائیکه سلاح های سبک و کم حجم تر را حمل میکنند : (بکسانیکه مواد تی - ان - تی و سلاحهای سنگین تر را در اختیار دارند ، کمک کنند.

کوله پوشتی :

هر چریک یا پارتیزان : (پیشمرگه یا گریلا) باید اینطور تلقی کند که : آنچه را که توی کوله پشتی اش حمل میکند تنها چیز است که در یک زمان نا محدود میتواند بر روی آن حساب کند. در جیره بندی و محفوظ نگهداشتن محتویات آن باید منتهای دقت را بعمل آورد ، بهیچوجه نباید آنرا از خود جدا کند ، مگر اینکه مسئله مرگ یا زندگی در بین باشد.

توجه : باید این مطلب را همیشه در نظر داشت که : ضد شورش فقط به برپائی نبردهای عملیاتی برای بدست راه حل های سریع مبادرت نمیورزد ، بلکه همچنین بضد تدابیر لوچستیکی " تدارکاتی " نیز دست میزند تا مانع این گردد که : چریکها یا پارتیزانها - پیشمرگه ها یا گریلاها ، با توده مردم تماس حاصل کنند و برای خود آذوقه و خواربار تهیه کنند.

محتویات کوله پشتی را باید قبلا توی یک کیف بزرگ پلاستیکی قرارداد تا بدینوسیله بهتر بتوان آنها را در مقابل رطوبت محافظت نمود ، هر چریک یا گریلا باید در کوله پشتی خود پنج کیف کوچکتر " هر یک بظرفیتی در حدود 3 کیلو داشته باشد و وسائل و لوازم خود را قبل از قراردادن در کیف پلاستیکی و کوله پشتی ، در داخل آنها با نظم و ترتیب بچیند.

این کیفهای کوچکتر باید از پارچه ائی نفوذنا پذیر و با دوام تهیه شود تا بدینوسیله از آذوقه و وسائلی که در مقابل باران و رطوبت ، بیش از بیش محافظت گردد.

کفشها :

چریکها یا پارتیزانها (پیشمرگه یا گریلا) ها ، که دارای سالها تجربه در جنگهای " غیرمنظم " پارتیزانی می باشند تائید میکنند که بهترین کف برای زمینها و شرائط جوی سرزمین ما (کردستان) کفشهای تنیس - وپلاستیکی هر دو با تخت مضاعف " دابل " است . در داخل رویه کفش نیز باید آستری از چرم قرارداد ، بدینوسیله کفشها فوق العاده محکم و خیلی سبک و راحتی برای خود تهیه کرد ه ایم که بر راحتی شستشو و خشک میشوند. همینکه پیشمرگه ها یا گریلا ها به اردوگاه " پایگاه " رسیدند ، باید پوئینها را از پای خود در آورده و برای استراحت دادن پاها از کفشهای تنیس استفاده کنند ، توصیه میشود که : از جورابها ضخیم استفاده شود و در هنگام خواب در صورتیکه شرائط اجا-

زه دهد پاها لخت باشند ، و قبل از خواب پاها را با صابون شستشوداده و صبر کرد که پاها خشک شوند - هرچریک یا گریلا باید دوجفت کفش تنیسی ی پلاستیکی (برحسب استفاده فصلی) با خود داشته باشد ، یک جفت برای راه پیمائی و یک جفت دیگر توی کوله پشتی برای روز مبادا.

البسه :

هرپیشمرگه یا گریلا علاوه بر لباسی که به تن دارد باید یک دست لباس اضافی نیز در کوله پشتی خود داشته باشد. او میتواند یک دست لباس رزمی ضد چریک را هم به همراه داشته باشد ، تا در مواردیکه لازمست خود را جای یکی از آن ها جا بزند ، و از آن استفاده کند. چریک یا پارتیزان : قبل از خواب باید لباس زیرپوش خود را کلا عوض کند ((و از خوبیدن با لباس عرق دار و مرطوب قویا خود داری واجتناب ورزد)) ، و لباس خیس را در کنار آتش خشک کند ، تا روز بعد بتواند از آنها برای راه پیمائی استفاده نماید.

پارچه نفوذنا پذیر: هر پیشمرگه یا گریلا بدو مشمع یا پارچه نفوذنا پذیر احتیاج دارد - یکی از آنها برای استفاده بعنوان چادر، و دیگری در اندازه 160 د ر 100 سانتیمتر برای رختخواب " زیریا روانداز" . بعلاوه هرچریک باید همواره یک پتو پشمی به همراه داشته باشد.

اشیاء مورد نیاز دیگر :

هرچریک یا پارتیزان - پیشمرگه یا گریلا : باید بیک سرنیزه کوتاه ، بیک بیلچه یا دسته کوتاه مجهز باشد ، به منظور: کار گذاشتن مینها و کندن سنگرها - و برپا کردن اردوگاه ها. برای هر گروه 11 نفری ، یک طبر بدون دسته توصیه میشود که پس از رسیدن به محل تجمع مورد استفاده قرار میگیرد. **تکرار میکنم که :** غذای اصلی چر- یکها یا گریلاها را نان گندم ، مواد قندی ، کنسرو گوشت ، نمک ، شکر و در صورت دسترسی میوه جات تشکیل میدهد. کبریتها باید در شیشه های در بسته یا کیسه های کوچک پلاستیکی نگهداری شوند - و همچنین صابونی که برای شستشوی لباسهای زیر بکار میرود و نیز تیغ ها و لوازم ریش تراشی. **مضافا :** هر پارتیزان یا پیشمرگه باید دو مسواک و خمیر دندان به همراه داشته باشد. در محلهائی که آب کمیاب است باید قمقمه های خود را پر کنند - توصیه می شود که در هنگام راه پیمائی تا آنجا که ممکن است کمتر آب مصرف گردد. هر پیشمرگه یا گریلا باید یک کاسه به همراه داشته باشد - و برای هر گروه طناب محکمی برای بستن بگردن چهار پایان یا برای عبور از رودخانه ها باید در نظر گرفت - هر مبارز باید سه رشته طناب هر یک بطول (2) متر برای بستن و پیچیدن لوازم داخل کوله پشتی با خود داشته باشد. این وسائل باید طوری در داخل کوله پشتی جا سازی شوند که از ایجاد هرگونه سروصدائی در هنگام راه پیمائی جلوگیری گردد.

داروها :

هرپیشمرگه یا گریلا - پارتیزان یا چریک : باید در کوله پشتی خود داروهای زیر را داشته باشد :
1 - سه آمپول علیه مارگزیدگی ، 2 - یکصد قرص از انواع ویتامینها ، 3 - یک شیشه داروی نیرو بخش ، 4 - سه شیشه پنی - سیلین ، 5 - پنجاه عدد قرص ضد اسهال ، 6 - ده سانتیمتر مکعب داروی بیهوشی موضعی ، 7 - یک آمپول مر- فین ، 8 - یک آمپول سرم ضد گزاز ، 9 - داروهای

موثر علیه عوارض قارچ پوستی ، - 10 - یک بسته نوارچسب طبی ، 11 - یک بسته نوارکشدار ،
12 - یک بسته کوچک تنظیف.

بالاخره ، هرچریک یا پارتیزان - پیشمرگه یت گریلا یک کتاب مختلف (با نظر مسئول گروه
چریکی) با خود همراه خواهد داشت که این کتاب بین افراد گروه مبادله خواهد شد ، و نیز هرکدام
دارای یک دفترچه یادداشت خواهد بود ، که هر دوی اینها باید توی پارچهء نفوذ ناپذیر پوشیده شود.
کوره راه چریک "گریلا" و تدابیر احتیاطی علیه حمله بار دوگاه .

پیشمرگه و گریلا ی عزیزم ... کادرها!

ما اکنون در حال جنگیم ، جنگی : تدافعی و عادلانه که در کردستان " سرزمین تاریخی کرد " صورت
میگیرد. یعنی در سرزمینی : مستعمره ونیم فئودالی ، از این رو نه تنها باید قوانین عام جنگ را مطالعه
کنیم ، بلکه باید قوانین ویژه ائی را که مختص چنین کیفیت " تاریخی و اجتماعی " است نیز مورد
بررسی و ارزیابی قرار دهیم تا... پیروزشویم.

یاشار کمال نویسنده بزرگ کرد تبار ، در ترکیه میگوید : (بهترین طرز نگاه بآینده اینست که : بدانیم
از کجا سر- چشمه گرفته است . ملتی که خاطره خود را از دست بدهد ، ملتی است که می میرد).

کوره راه چریکی " گریلایی " - و تدابیر احتیاطی علیه حمله بار دوگاهها

کوره راههای چریکی یا پارتیزانی - پیشمرگه یا گریلا عبارتست از نشانه ها و جای پاهای برجا
گذاشته شده بوسیلهء واحد پارتیزان ، پس از عبور و ورودش در مناطق جنگلی و کوهستانی.

در حال حاضر : باز کردن یک کوره راه برای جنگ چریکی یا گریلایی در کردستان مطمئن ترین
شیوه تغییر محل دادنهارا تشکیل میدهد ، ولی در عینحال کندترین و خسته کننده ترین شیوه هاست ،
در روزگار ما : تجربه نشان داده است که بقاء و حیات یک واحد پیشمرگه یا گریلا به مقدار زیادی به
اعمال این شیوه بستگی دارد ((بشرطی که در این کوره راه ، تدابیر احتیاطی بشدیدترین و کاملترین
وضعی اعمال گردد)) ، که بطور متداول با راه پیمائی در میان مزارع تکمیل میشود.

باز کردن یک کوره راه دارای مزایای زیر میباشد :

- 1 - ممانعت از دید هوا به زمین.
- 2 - ممانعت از دید زمین به زمین.
- 3 - جلوگیری از کمین های ضد چریک.
- 4 - کشاندن ضد چریک به محلهای انتخاب شده بوسیلهء چریکها یا پارتیزانها - پیشمرگه ها یا
گریلاها ، بمنظور
بدام انداختن آنها در یک کمین.

5 - احتمالا میتوان بمتابۀ یک راه میان بر بکار نبرد ، وامکان ادامهء راه پیمائی را از میان مزارع فراهم آورد.

توجه : معمولا ضد چریک با ایجاد کوره راهها مبادرت نمیورزد ، باستثناء مواردیکه هدفهای فوری ودقیقی را دنبال میکند ، از قبیل : 1 - حمله بیک اردوگاه یا هر موضع ثابت وپا برجای چریکها یا گریلاها ، 2 - تعیین موضع و محل کردن - وسد نمودن کوره راه "چریکی یا گریلایی" بوسیلهء یورش های متنوع در جاده ایکه حوالی کوره راه چریکها یا پیشمرگه ها قرار دارد ، 3 - سعی در حفظ موقعیت قبل از تماس دائمی . از اینموارد که بگذریم ، ضد چریک با دنبال کردن کوره راه - ویا هر نشانهء دیگری که چریکها یا پارتیزانها برجای بگذارند ، آنها را تعقیب خواهند کرد.

وقتیکه کوره راه در جاهای مختلف پی در پی بازو مکشوف میمانند ، ضد چریک میتواند از طریق عملیات شناسائی وعکس برداریهای هوائی اش ، مسیر تقریبی یک واحد چریکی یا پیشمرگه - وحتی محل استقرار دقیق اردوگاه موقتی آنها را مشخص نماید.

معمولا کوره راه چریکی یا گریلایی باردوگاهی ختم میشود ، که تقریبا همیشه از هما نجا ادامه پیدا میکند . اگر در پاره ای موارد ، کوره راه از اردوگاه بوضع ادامه نیافت ، **معنایش اینست که :** چریکها یا پارتیزانها برای رد گم کردن وبتا خیر انداختن ضد چریک ، بطور جداگانه واز نقاط مختلف خارج شده اند... تا بعدا در یک نقطهء معین از نو بهم ببیوندند ، یا اینکه یک مقدار به عقب برگشته اند ، وبدینگونه محل تجمع را عاری از هرگونه - وبدون تداوم عادی گذاشته اند . قطع کردن کوره راه در فضای باز بمعنای یک تغییر محل ازوای زمینهای میباشد که خاصیت آن : رد کردن و از بین بردن رد پاها ونشانها است.

نظر باینکه کوره راه ویا هر نشانه وردیای دیگر معرف : **خط قرمز است** که به ضد چریک اجازه میدهد که چریکها را مورد تعقیب قرار دهد ، تدابیر احتیاطی که باید با دقت وریزه کاری ، در هنگام استراحت وراه پیمائی ، در مورد این کوره راه اتخاذ شود ، الزامات آیندهء واحد چریکی یا گریلایی نقش تعیین کننده ائی را ایفاء خواهد کرد.

بنا بموارد فوق باید به نکات زیر توجه داشت.

1 - در هنگام روز ، بریک نقطهء مرتفع باید پاسگاه پیش رفته ائی مرکب از: 3 تا 6 پیشمرگه یا گریلا در فاصله بین 30 تا 60 دقیقه راه پیمائی تا محل تجمع یا اردوگاه موقتی ، مستقر کرد.

2 - همواره بر روی کوره راه یا محل هر نشانهء دیگر ، باید دوگشتی در فاصله ائی حدود 300 تا 500 متری محل تجمع یا گروه عقبدار ((در هنگام توقف واستراحت باش واحد چریک " پیشمرگه وگریلا ")) در یک نقطهء مرتفع ، در آنجائیکه لااقل از 300 متری بتوانند نزدیک شدن دشمن را مشاهده کنند ، کشیک بدهند.

3 - گشتی ها باید در نقاط مختلف مستقر شوند تا در صورت حملهء کماندویی دشمن بتوانند بهم کمک کنند.

4 - گشتیها را باید بدقت تحت مراقبت قرارداد.

5- **توجه** بیشتر از یک شب ، از مستقر کردن محل تجمع یا اردوگاه موقتی ، در حوالی کوره راههای قدیمی ، جاده‌ها یا چراگاهها باید خود داری گردد - در غیر اینصورت : لازم است در فاصله 300 متری کوره راه اصلی ، و در هر راه یا جاده یا معبری که کوره راه اصلی را قطع میکند ، در بین محل تجمع و گشتیهای محافظ کوره راه اصلی ، به گماردن نگهبان و گشتی مبادرت ورزید.

6 - برای مدت زمان بسیار کوتاه ، از عاریت گرفتن یک کوره راه باید اجتناب گردد.

7 - از پیمودن یک کوره راه قدیمی که نشانه های عبور "**ضد چریک**" در مدت زمانی کمتر از 10 **روز پیش** ، بر روی آن مشاهده شده است باید اکیدا خود داری گردد ، این ممنوعیت بخاطر اینست که : ضد چریک عادت دارد که واحد هائی را در حال کمین نگه دارد. فرماندهان نگهبان یا جانشینان آنها ، در حالیکه وظیفه دارند در داخل اردوگاه بمراقبت پردازند ، همچنین موظف اند هر نیم ساعت بگشتیها در سرپست شان سرکشی کنند... و بدین طریق میتوان بیک مراقبت دقیق و کلی اعتماد کرد.

8 - افراد گروه شناسائی ، مسئولیت نگهبانی روزانه - و در صورت لزوم شبانه را بعهده خواهند داشت ، اینها مجهز به دوربینهای قوی دو چشمی هستند ، که باید در محل مرتفعی که بین 30 دقیقه تا 2 ساعت تا اردوگاه موقتی فاصله داشته باشد ، مستقر شوند. در هنگام روز ، هر **4 یا 6** ساعت تعویض خواهند شد - و پس از بازگشت به اردوگاه ، در مورد همه آنچه را که مشاهده کرده اند ، فرمانده نگهبانی را مطلع خواهند کرد ، **از قبیل** : تجمع یک گروه ، جنب و جوش در " پایگاههای نقطه عزیمت ، دهکوره ها ، هلیکوپترها ... و غیره ".

9 - ولی اگر یک وقت گروه شناسائی مشاهده کنند که دشمن مشغول پیاده کردن نیرو است ، یا نشانه هائی از تهیه مقدمات تهاجم و یورش در یک جهت معین را ملاحظه کنند ، یا دشمن مشغول عملیات جاده صاف کنی میباشد - و یا جنب و جوشهائی را ببیند که حاکی از این باشد که دشمن در صدد انجام مانوری بمنظور احاطه کردن " پیشمرگه ها یا گریلاها " است - و یا پیشروی نیروهای " ضد چریک " را بطرف : **(خط قرمز)** ملاحظه کنند ، باید بلافاصله و بدون هدر دادن یک لحظه برگردند و جریان را اطلاع دهند.

10 - افراد گروه شناسائی علاوه بر وظیفه مشاهده - میتوانند همچنین وظیفه گروه ضربتی را نیز بعهده گیرند ، با ایجاد یک یا چند کمین عقب رانی ، به ذله کردن و بستن آوردن یا نابود کردن دشمن مبادرت ورزند ، و در تمام طول کوره راه تا رسیدن به اردوگاه موقتی به یمن یک جنگ و گریز مرحله بمرحله ، قدم به قدم با ضد شورش مبارزه و مقاومت کنند.

توجه! : هیچوقت این نکته را نباید از خاطر برد : وقتی که یک واحد (پیشمرگه یا گریلا ، چریک یا پارتیزان) می خواهد بیش از دو روز در یک محل باقی بماند ، آنها نباید در هیچ حال ، در طی فعالیتهای مختلف **((مثلا جمع آوری هیزم))** ، نشانه ها ورد پاهائی باقی بگذارند که از کوره راه اصلی یا اردوگاه ، بیک چراگاه یا یک جاده و غیره منتهی میشود. **زیرا** : چنین نشانه ها و رد پاهائی بزودی بوسیله ضد چریک کشف شده و از آنها برای حمله به : پیشمرگه ها یا گریلاها - چریکها یا پارتیزانها در محل تجمع شان استفاده خواهد کرد ، در حالیکه گشتیها و افراد گروه شناسائی که در خارج (با فاصله دورتر از اردوگاه) قرار دارند ، وقتی متوجه جریان میشوند که اولین گلوله ها رد و بدل شده باشد.

پس لازم است که پیشمرگه‌ها یا پارتیزانها با هوشیاری و گوش بزنگ بودن ... **بویژه** ، با شدیدترین انضباط ممکن یعنی موثرترین تدابیر ایمنی ، برای محفوظ ماندن از حملات غافلگیرانه - وتار و مارشدن ، مراقب و مواظب اوضاع بوده باشند.

تدابیر لازم علیه تعیین محل و موضع کردن - ورخنه گری. . .

برای جنگجویانی که هم اکنون درخیم و کژهای زاگروس به کمین نشسته اند تا "میهن" خود را رها سازند. برای آنهاییکه: بقصد شرکت در این نبرد مرگ و زندگی عجلولانه در راه اند.

برموجی که برپایت میشکند درنگ مکن

چه تا پایت در آب است موجهای دیگری بر آن خواهند شکست.

برتولت برشت

اگرصدای آنها (**هلیکوپترها**) ، بدفعات در آن حوالی شنیده شد امکان دارد که ضد چریکها (**نیروهای دشمن**) در صدد پیاده شدن و اشغال راهها و جاده ها و نقاط مرتفع اطراف بوده باشند ، تا بعملیات احاطه کردن دست بزنند - واز این لحظه ببعد است که : برنامهء ذله کردن و بستوه آوردن - یا ایجاد موقعیت قبل از تماس دائمی ، مبادرت خواهند ورزید.

اگر **هلیکوپترها** بدون اینکه متوقف شوند عبور کردند ، و سپس بدفعات مکرر مراجعت نمودند - در صورتیکه دسته های دیگر چریکها در بخشهای همجوار مشغول عملیات میباشند - برای این امر میتوان دلایل متعددی را در نظر گرفت : **1 -** آذوقه رساندن به واحدهائی که مسئولیت برنامهء : ذله کردن - و بستوه آوردن یا پاسگاه اشباع کننده را بعهده دارند ، **2 -** بررسی و مشاهده کلی هوائی ، **3 -** جمع آوری زخمی شدگان و مرده های خود - که در یک کمین بدام افتاده اند.

هلیکوپترها از نو به همراه هواپیماهای شکاری ظاهر خواهند شد تا محل را به مسلسل ببندند ، و این یک شیوهء معمولیست که پس از کمینها به بمباران کردن بپردازند . سهولتی راکه چریکها " پیشمرگه ها " بر اثر همکاری روستائیان در بدست آوردن اطلاعات و آذوقه و سایر اشیاء مورد نیاز ، از آن برخوردار هستند نباید به آنها دل و جرات بدهد که بیش از حد بروی تدابیر امنیتی خود حساب کنند ، و در یک محل مشخص مدت طولانی متوقف شوند.

همینکه مورد هدف برنامهء : تعیین محل و موضع کردن قرار گرفتند ، بسیار محتمل است که نیروهای دولتی برای توفیق در محاصره تاکتیکی و نابود کردنشان از طریق یورشهای تمرکز یافته مورد حمله قرار دهند . همانطوریکه بار ها مشاهده شده ، پس از یک مقدار راهپیمائی ، پیاده کردن نیرو از هوا ممکنست صورت بگیرد ، بدون اینکه چریکها یا پارتیزانها متوجه شوند.

هرگز پیشمرگه ها یا گریلاها نباید این نکته را فراموش کنند که : امکانات در محاصره قرار گرفتن کاهش نخواهد یافت مگر در صورتیکه به **24** ساعت راه پیمائی اجباری تن در دهند - مضافا در طول

این راهپیمائی، استراحت‌های کوتاه مدت باید در زمین‌های صورت بگیرد که هرچه بیشتر کوهستانی - ویا پردرخت بوده - و مضافاً با این زمینها بیشتر آشنائی دارند.

وقتیکه چریکها یا گریلاها بگشودن راهی مبادرت میورزند، همانطوریکه مقررات گروه پیشتاز در مقابل ستون - و گروه عقبدار در پشت سر ستون قرار خواهد گرفت. گروه پیشتاز و گروه عقبدار هر یک مرکب از 7 تا 11 نفر خواهد بود و هر دوی اینها با 500 تا 700 متر فاصله با ستون، به پیشروی ادامه خواهد داد. در هنگام شب این فاصله ها باید کوتاه تر شوند تا جائیکه ارتباط بصری حفظ گردد. گروه پیشتاز، در میان خود لااقل بای یک "پیشمرگه یا گریلا" با اصل و نصب روستائی داشته باشد که منطقه را خوب بشناسد - و بر اساس دستوراتی که دریافت میکند، راهپیمائی را هدایت کند.

همواره در هنگام عبور از راهها، جادها و کوره راهها قدیمی، واحد های پیشتاز یا تجسس کننده باید بطور مداوم زمین در جستجوی رد چکمه‌های نظامی یا هر نشانه دیگر، مورد بررسی دقیق قرار دهند. در گروه پیشتاز و نیز در گروه عقب دار، پیشمرگه ها - یا گریلاهای نزدیک بستون باید در بکار انداختن مینهای الکتریکی تخصص داشته باشند.

تدابیر لازم علیه موقعیت قبل از تماس دائمی - یا برنامه: ذله کردن و بستوه آوردن.

همینکه برنامه تعیین محل و موضع کردن انجام شد، پیشمرگه یا گریلا چه اولین تماس مستقیم را برقرار کرده باشد یا نه، شیوه ائی را بمورد اجراء در خواهند آورد که مبتنی بر این اصل میباشد که همیشه در نزدیکترین فاصله ممکن با واحد چریکی یا پارتیزانی و محل تجمعشان باقی بمانند - و اینکار را با دنبال کردن بی وقفه کوره راهها و رد پاها و نشانه های معبرشان انجام میدهند. بدینگونه است که مشاهده میشود: **ارتش**، چادرهایشان را در آخرین ساعات بعد از ظهر، فقط در چند کیلومتری محلی که پیشمرگه ها یا گریلاها برای محل تجمع انتخاب کرده اند، مستقر میکند، صبح روز بعد ارتش و جبهه چریکی براه خود ادامه میدهند. این تعقیب لاینقطع یا ذله کردن و بستوه آوردن، فقط زمانی یکنواختی خود را بطور موقت از دست میدهد که: نیروهای دولتی بدام یک کمین میافتند، یا تله ائی را سر راه پارتیزانها یا گریلاها پهن میکنند، یا وقتیکه چریکها رد پای خود را محوم میکنند، یا وقتیکه ارتش به اردوگاه واحد چریکی یا پارتیزانی یورش میبرد - ویا برنامه ذله کردن و بستوه آوردن به حد اعلی خود میرسد.

تدابیر لازم علیه کمین، محاصره و پراکندگی

وقتیکه گروه پیشتاز، بجاده ای میرسد که بوسیله ضد چریک شده است، بطور خودکار تغییر موضع میدهد و نقش گروه عقبدار را ایفاء میکند، بدین ترتیب دوانتهای ستون جای خود را باهم عوض میکند. گروه عقبدار جدید، ساکت در میان گیاهان و درختان و غیره برجای خواهد ماند، و موقعیت را با علامت ها و پچ پچ ها بدیگران خواهد رساند تا اینکه مسئول اصلی واحد (پیشمرگه یا گریلا) در جریان امر قرار گیرد. در اینوقت مسیول اصلی باید بتواند پیش بینی کند که این امر چیزی برتر از یک اتفاق یا تصادف ساده است، زیرا که ممکنست موضوع بر سر یک عملیات احاطه کردن باشد، بویژه اگر این امر پس از یک منازعه یا عملیات تازه از قبیل (کمینها بر علیه نیروهای دولتی، ویا حد اعلی درجه

برنامه ذله کردن و بستو آوردن (بوقوع پیوسته باشد ، پس واحد چریک یا پارتیزان خط سیر و حدود منطقه ای را که چریکها در آن تغییر محل میدهند ، میشناسند.

دراینحال : باید بلافاصله دستور عقب نشینی - تا حدود 500 متر صادر شود. آنوقت باید از چپ و راست وارد بوته ها و خارو خاشاک بشوند ، و همواره سعی کنند که خود را به ارتفاعات برسانند ، از دشتها ، درها ، و محلهائی با گیاهان نادر و کم پشت ، خود را دور کنند تا بیک منطقه مرتفع برسند - و از اینجا بتوانند راه پیموده شده را مورد مشاهده و بررسی قرار دهند. مسیول اصلی (واحد چریکها یا گریلاها) زمینهای اطراف را بررسی خواهند کرد ، پس از اینکه کاملا اطمینان یافت که هیچگونه خطری وجود ندارد - و موانع طبیعی موجود امکان استتار و ادامه یک راه پیمائی سریع و بدون خطر را فراهم میکند ، میتواند دستور راه پیمائی را صادر میکند.

در شبهای مهتابی توصیه میشود و قتیکه ماه در نهایت درخشش خویش است با استراحت بپردازند ، و ادامه راه پیمائی را به تاریک شدن آسمان موکول کنند. در صورت درگیری (**در شب**) ، بهتر است که از نارنجک استفاده گردد ، زیرا که پرتاب آن موضع پرتاب کننده را بدرستی مشخص نمینماید.

کمین عقب رانی : تا عبور آخرین فرد پیشمرگه یا گریلا باید در کوره راه برجا باقی بماند ، مضافا چند پیشمرگه یا گریلا آماده به تیراندازی را باید در حاشیه معبرها قرارداد. بدین ترتیب : گروهی مرکب از 6 نفر مبارز نقطه مرتفعی اشغال خواهند کرد ، و از آنجا عبور کلیه افراد واحد چریکی را - که قسمت به قسمت صورت خواهد گرفت ، مورد حمایت تیراندازی خود قرار خواهند داد ، تا جائیکه آخرین فرد گروه عقبدار عبور کند.

اگر اوردگاه پیشمرگه ها یا گریلاها مورد تهاجم قرار گرفت ، زنده ماندگان در حالیکه میکوشند از متفرق شدن و منزوی ماندن اجتناب کنند ، باید با شتاب هر چه بیشتر در حال عقب نشینی نبرد کنند ، و از راهی که قبلا : برای موارد اضطر - اری و فوری پیش بینی شده بود ، به عقب نشینی بپردازند.

تمام این وقایع احتمالی : توضیح میدهند که چرا : پیشمرگه ها یا گریلاها نباید هیچوقت نه سلاح و نه کوله پشتی شان را از خود دور کنند - فقط در موارد نگرهبانی میتوانند که کوله پشتی را از دوش بردارند ، و در اینحال نیز باید آنرا در گوشه آئی در نزدیکی خود مخفی کنند.

پیشمرگه یا گریلا : چه در حال تغییر محل دادنها باشد - و چه در اردوگاه موقتی شلیک گلوله ها و انفجار ها را باید چگونه تلقی کند:

یک واحد پیشمرگه یا گریلا ، چه در محل تجمع باشد و چه در حین راه پیمائی و قتیکه صدای شلیک گلوله ها یا صدای انفجارها را میشنود ، باید آهنگ و فاصله آنها را از لحاظ (دوری یا نزدیکی) مورد توجه قرار دهد. در هنگام راه پیمائی شلیک یک گلوله متفرق و مجزا و از فاصله خیلی نزدیک بدون شک بوسیله یکی از افراد ستون بطور غیر ارادی شلیک شده است. اگر بهمراه آن ، صدای انفجارهای دیگر و مسلسلها و احتراقها شنیده شد ، احتمال دارد که یک بخش از واحد پیشمرگه یا گریلا (گروه پیشتاز ، یا گروه عقبدار) با گشتیهای گروه شناسائی واحد ضد چریک درگیری پیدا کرده باشد. شنیدن صدای رگبار مسلسلها و شلیک چند گلوله متفرق در فاصله نسبتا دور باین معنا است که : یک پاسگاه اشباع کننده دشمن در امتداد مسیر واحد پیشمرگه یا گریلا واقع است ، و یا یک واحد دیگر پیشمرگه یا گریلا در آن حوالی با ضد چریک درگیری پیدا کرده است.

شلیک یک گلوله مجزا و متفرق در داخل اردوگاه موقتی ، معمولاً ناشی از بی توجهی یکی از پیشمرگه ها یا گریلاها است. اگر شلیک یک گلوله مجاز و متفرق در حوالی اردوگاه انعکاس یافت ، احتما ل دارد که یکی از گشتیها از روی بی توجهی شلیک کرده - و یا یکی از گشتیها بوسیله گروه پیشقراول ضد چریک از پای درآمده است.

هرگونه شلیک گلوله ای ، چه مجزاً باشد چه متفرق باشد یا نه ، اگر در اطراف اردوگاه به گوش برسد ، آنرا باید به مثابه : (یک موقعیت و خیم تلقی کرد).

مسئول اصلی : باید دستور دهد که : اردوگاه در اسرع وقت رها گردد ، و واحد پیشمرگه یا گریلا از طریق خروجگاه پیش بینی شده از قبل ، عقب نشینی کند ، و غالباً در اولین پیچ راهیکه به اردوگا میرسد ، باید یک کمین عقب رانی مرکب از 6 نفر پیشمرگه یا گریلا برجا گذاشت.

مأوتسه تونگ ، در مسائل استراتژیکی جنگ چریکی ضد ژاپونی مینویسد : (آموختن " علم بموقع" خود را کنار کشیدن ، یکی از ویژگیهای جنگهای چریکی است. عقب نشینی : موثرترین شیوه برای خارج شدن از یک موقعیت غیر مشخص و مجهول و از نو بدست آوردن قدرت ابتکار عمل است).

وقایع احتمالی دیگر - و احتیاط کاریهای لازم دیگر :

وقتیکه واحد پیشمرگه یا گریلا مزرعه ای را مشاهده میکند که بنظرش افرادی در آن سکونت دارند - و علائمی از قبیل (دود ، لباسهای آویزان ، حیوانات) باید اینطور فرض کند : هما نظوریکه ممکنست ساکنان آن روستائی باشند - و این احتمال نیز وجود دارد که صد چریکهای پاسگاه اشباع کننده دشمن در آن سکانت داشته باشند - **در اینحال** ، باید یک مدت در حدود یکساعت ، مزرعه و جوانب آنرا بادوربین زیر نظر بگیرند تا کاملاً مشخص شود که ساکنان آن روستائیان هستند ، یا افراد ضد چریک؟. همینکه اطمینان حاصل شد یک یا دومامور برای کسب اطلاعات باید بآنجا فرستاده شود - ارجح اینست که مذاکره با صاحب مزرعه ، در هنگام فرا رسیدن شب صورت میگیرد.

حتی اگر روستائیان : طرفدار جنگ چریکی یا پارتیزانی باشند ، نظر باینکه بیشتر اوقات شخصا اعضاء آنرا نمیشناسند از ترس اینکه نکند بدام ضد چریک افتاده باشند ، **غالباً چنین جوابهایی را میدهند :** د ل مان نمیخواهد که : خود را قاطی این جریانات کنیم ، ما غیر از دولتیها باشخاص دیگر چیزی نمیفروشیم ، نمیخواهیم که درد سر برای خود ایجاد کنیم.

مبارزین با پرداخت قیمت معمول ، حتی یک کمی بیشتر برای خود آذوقه و خواروبار تهیه خواهند کرد. اگر عقاید روستائیان (برای پیشمرگه ها یا گریلا ها) روشن نیست ، **باید بآنها گفت که :** جزو افراد دولتی هستند - و برای خود آذوقه تهیه میکنند ، **حتی برای ردگم کردن میتوانند از آنها بپرسند که :** آیا " **راهزنها** " را در این حوالی دیده اند یا نه؟.

توجه ! در موقع رفتن برای هر خانواده موافق - و طرفدار (پیشمرگه ها یا گریلا ها) باید دستورالعملهایی برجا گذاشت : محو کردن هرگونه نشانه ورد پای " مسیر عبور " پیشمرگه ها یا گریلا ها " اگر نیروهای دولتی ناگهان ظاهر شدند - و آنها را مورد استنطاق قرار دادند ، **بدینگونه جواب دهند :**

روستائی : سلام جناب سروان ، بفرماید.

جناب سروان : آدمهای غریبه را در این طرفها ندیده اید؟

روستائی : چرا جناب سروان آرتش دیروز اینجا رد شد و خرده ریزهائی از من خریدند و رفتند.

جناب سروان : چی؟ ، آرتش؟!.

روستائی : بلی جناب سروان آرتش.

جناب سروان : مطمئن هستید؟.

روستائی : بلی جناب سروان. بمن اطمینان دادند که از افراد آرتش هستند ... و حتی مانند شما از من پرسیدند که : " **راهزنها** " را در این حوالی دیدام یا خیر؟

با آموختن شیوه " گفت و شنید های" مشابه بروستائیان ، آنها را از آسیب " نیروهای دولتی" در امان داشته ایم ، و مخصوصا باینوسیله بآنها نشان دهیم که امنیت آنان ونیز خانواده ها ایشان نیز اهمیت میدهیم. و اگر لازم باشد باید از آن ها زواسته شود که : ((بجای ظاهر سازی کردن - حقیقت را به نیروهای دولتی اعلام کنند)) ، البته در این حال : باید همیشه در مورد پیشمرگه ها یا گریلا ها مبالغه کنند.

این رفتار بدرستی قابل توجیه است ، زیرا که : باید تودهای روستائی را با مقاصد و هدفهای خود همراه کنیم ، توده هاییکه بدون مساعدت آنها پیروزی در جنگهای چریکی یا پارتیزانی غیر ممکن جلوه میکند. همین دلایل ما را موظف میکند که در بالا بردن آگاهی - و اطلاع و موضع گیری آنها - در روابط شان ، چه با واحدهای پیشمرگه و یا گریلا ، چه با **ضد چریک** ، تلاش کنیم.

عبور از رودخانه ها : ..

تمام جنگهای مسلحانه بخصوص جنگهای رهائیبخش ملی جنگهایی بوده اند که : در اثر رد هویت ملی و تحمیل استبداد توسط استعمار - و کارگزاران " شوینیزم - و ارتجاع " داخلی وی صورت گرفته اند.

طریقه عبور از رودخانه ها: اگر جریان رودخانه شدید نبوده - بلکه فقط عمق آن زیاد باشد و بعضی از پیشمرگه ها - یا گریلاها شنا کردن را نمیدانند ، در این حال : بهترین شناگر واحد واحد ، طنابی را بدست گرفته و آنرا بطرف دیگر رودخانه خواهد برد. بجای اینکه دوسر طناب را با دست بکشند ، بهتر است که آنها را در دو طرف رودخانه به درختی محکم گره بزنند. اگر عرض رودخانه کم ولی در عوض جریان آن شدید وسیل آسا است ، بجای طناب باید از یک کابل فولادی استفاده کرد ، گریلا یا پیشمرگه ، حلقه فولادی کابل را محکم نگه داشته و به پشت روی زمین دراز خواهد کشید ، و بدینوسیله برای کشش آن مقاومت بیشتری بدست خواهد آورد.

رد پا ها ، نشانه ها - و تهیه آذوقه:

ضد چریک ، رویائی را در عالم خیال میپروراند و دلش میخواد گه این رویا بواقعیت بپیوندد و آن : قطع کردن شریان هرگونه آذوقه و خواربار واحد " چریکی یا پارتیزانی - پیشمرگه یا پارتیزانی " جای تردید نیست که بعلت این استواری و ثابت قدمی عملیاتی ضد چریک ، برنامه ذله کردن و بستن آوردن ، رد پایها و نشانه ها ، و تهیه خواربار و آذوقه ، به نحوی شدید دارای تسلسل منطقی میباشد. وجود این رابطه نزدیک ، نباید از نظر مسئولان یک جبهه چریکی یا پارتیزانی ، مخفی بماند - و باید بخاطر داشته باشند که هر جا منبع آذوقه و خواربار یافت شود - **ضد چریک** نیز در آنجا پیدا خواهد شد ، و یا اینکه پس از تهیه خواربار و آذوقه از راه خواهد رسید. **وبالآخره** ، برای اینکه از پیشمرگه ها یا گریلاها بهای نا معقولی را که بآنها لطمه خواهد زد - مطالبه نشود ، واحدهای چریکی یا پارتیزانی تا وقتیکه تدارکات و امکانات لازم را در اختیار ندارند ، باید در مصرف آذوقه و خواربار راه تعادل و قناعت را در پیش گیرند.

ما قبلا دیده ایم که : نیروهای دولتی چگونه از همان آغاز عملیات ، مزارع واقع در حوالی کوهستانها و جنگلها را ویران و منهدم کرده - و صاحبانشان را بیرون رانده اند ، **وحتی** روستائیان را در روزهای بازار عمومی مانند (جمعه بازار - و چهارشنبه بازار و غیره) ، در هنگام خروج از دهکده مورد تفتیش بدنی قرار داده اند.

یک مقدار از آذوقه ها از بازار میرسند ، ولی قسمت اعظم آن در روستاهای منطقه عملیاتی تهیه میشوند. غالبا آذوقه هایی که از شهر برای چریکها یا پارتیزانها ارسال میشوند ، حتی قبل از دهکده برسد - یا در موقع نقل و انتقال ، ممکنست بدست ارتش بیفتد ، **و ضد چریک** از روی مقدار خواربار و آذوقه توقیف شده - تعداد چریکها یا گریلاها را برآورد میکند - و بر اساس آن دسته های مورد نیاز برای عملیات تعقیب و جاده صاف کنی را آماده و تجهیز میکند.

بنابراین : به محض توقیف آذوقه ها ، واحد پیشمرگه یا گریلا باید منطقه را ترک کند - و لااقل به 24 ساعت راهپیمائی تن در دهد. **زیرا :** امکان دارد که مامور نقل و انتقال آذوقه تحت شکنجه مجبور شود که " رابط " خود را لود دهد - و ناچار شود دشمن را بمحل قرار ، راهنمایی کند.

اگر واحد: پیشمرگه یا پارتیزان - چریک یا گریلا موقعیت را کمتر از حد واقع ارزیابی کند - و در آن حوالی باقی بماند ، ساکن ماندنش هر نوع سهولتی را در اختیار دشمن قرار خواهد داد - تا بانجام عملیات احاطه کردن مبادرت ورزد.

بدینگونه هیچوقت : یک دهاتی را نباید به محل تجمع یا اردوگاه موقتی : واحد پیشمرگه یا گریلائی - چریک یا پارتیزانی فراخوند که (محل آنرا یاد بگیرد).

در هنگام ورود بیک مبارزه مسلحانه ، قبل از هر چیز باید این مسئله را مطالعه و حل کرد :

از کجا و چگونه تهیه آذوقه و خواربار را تضمین و تامین کرد ؟ - **زیرا :** دشواترین چیزها در یک مبارزه مسلحانه ، برخلاف آنچه بعضی ها تصور میکنند : **جنگ و نبرد نیست** . بلکه : 1 - راهپیمائی هر روزه با 20 تا 30 کیلو بار لوچستیکی ، 2 - باران ، 3 - تغییرات آب و هوا ، 4 - سرما و برف ، 5 - گرسنگی و تشنگی ، 6 - بالاوپائین رفتن از کوهها ، 7 - ته کشیدن نیروی جسمانی ، 8 - و انواع امراض که قدرت قویترین و نیرومندترین موجودات را مضمحل میکند. از اینجاست که اهمیت مسائل تدارکاتی " بویژه " در یک جنگ درازمدت خود نمائی میکند. **بطوریکه بعدا**

خواهیم دید محال ویی فایده است که : بخواهیم بنحوی جدی بمبارزه مسلحانه بپردازیم ، بدون اینکه با دقت و ریزه کاری مسائل مربوط به نیروی عقبدار را که غالباً بسکوت " بی توجهی " برگزار میشود از قبل مورد مطالعه قرار دهیم.

تروئونگ شن ، یکی از تئوریسین های جنگ ویتنام با اشغالگران فرانسوی مینویسد :

برای مبارزه کردن باید : 1- از شکم پر ، 2- سلامتی کامل ، 3- و از مقاومت جسمانی برخوردار بود. شرائط مادی برای رسیدن به پیروزی موقتی - در هر گونه عملیات نظامی : چه یک جنگ منظم ، چه یک شورش مسلحانه ، مطلقاً لازم و ضروریست. (از کتاب مقاومت پیروز خواهد شد)

جنبشهای رهائیبخش " ملی - و انقلابی " ما همچنین باید برای حمل و نقل و عبور اشیاء - و خوار و بار خود بر روی مناطق دیگر جنگ چریکی یا پارتیزانی - و مناطق آماده شده حساب کند : مناطقی که امکانات لوژیستیکی " تدارکاتی " از قبیل گروها ، حوزه ها ، رابط ها ، وابسته ها دردهات و دهکوره های همجوار ، در آنها فراهم باشد.

وقتی که لازم است : باید با حمله بکامیونهای ارتشی ، برای خود اسلحه تهیه کرد ، بهتر است که جاده های کم اهمیت و غیر اسفالتی را - نظیر جاده هایی که دهکده های کوچک را به جاده اصلی متصل میکند - برای این منظور انتخاب شود. برای تحقق این هدف با اشغال یکی از نقاط نزدیک یک بمنطقه نفوذ " ضد چریک " ، باید آنها را بمبارزه تحریک نمود ، در همین حال ، کمینی را بروی جاده در چند کیلومتری دهکده فراهم - و مستقر کرد. محل انتخاب شده برای عملیات باید باندازه کافی پردرخت یا دارای شیارهای گودی بوده تا امکان ورود به جنگل یا کوهستان را براحتی برای واحد پیشمرگه یا گریلا - چریکی یا پارتیزانی فراهم کند.

تا بدینوسیله پس از حمله : بدون اینکه نیازی باشد که از زمینهای سرباز بگذرند بتوانند بنحوشایسته ای خود را استتار کنند در تمام ارتفاعات کوچک یک سلسله جبال باید تیراندازان ماهر مستقر کرد ، بنحویکه بتوانند دشمن را از فاصله چند کیلومتری مساهده کنند. این مختصات پرامتیاز زمین را باید در نزدیکی های یک انحنای مسدود (بدون دید) جاده جستجو کرد ، و پس از عبور واحد باید صورت ظاهر آنرا مرتب کرد که سوء ظن دشمن را بخود جلب نکند - باید کوره راهی بطول 2 کیلومتر برای عقب نشینی سریع و نیز کوره راههای متعدد - کم اهمیت تر دیگر بمنظور سهولت در ورود و خروج از کوره راه اصلی تا رسیدن بمواضع " واحد چریکی یا پارتیزانی " و بالعکس ، بوجود آورد.

بدینگونه : چریکها یا پارتیزانها - پیشمرگه یا گریلاها ، پستهای خود را در حدود جاده اصلی اشغال کرده - و باستتار خود خواهند پرداخت. در صورت وجود امکان ، لازمست که لااقل دومین الکتریکی برای متوقف کردن اولین کامیون بترتیب در قبل و بعد انحنای جاده کار گذاشته شود. بدینگونه : جاده مسدود میشود ، وقتی که اولین کامیون با بار اسلحه یا خوار بار خود بدام کمین میافتد ، افراد سایر کامیونهای حامل اسلحه یا خوار بار نخواهند توانست بآن کمک کنند.

وقتی که در هنگام شب ، واحدهای پیشمرگه یا گریلا میخواهد یک جاده اصلی را طی یا قطع کند ، در اینحال : بهتر است همینکه چراغ ماشینی را مشاهده کرد ، بمدت 15 تا 30 دقیقه خود را در قسمتهای کم ارتفاع تر - و در شیبهای جاده مخفی کند. همچنین میتوان یک کامیون غیر نظامی را

متوقف کرده - و برای حمل گروه از آن استفاده کرد، در این صورت ، بر حسب مورد : براننده میتوان گفت که سروکارش با نیروهای دولتی - یا انقلابیون میباشد.

متفرق کردن نیروهای دشمن . . .

هرنقشه نظامی اعم از جنگهای " منظم و یا غیرمنظم " باید بر اساس اکتشافات لازم و تعمق دقیق دربرآورد :

وضعیت نیروهای " خودی و دشمن " و همچنین روابط متقابل آن مبتنی و استوار باشد.

متفرق کردن نیروهای دشمن

این بخش : (سیاسی - نظامی) است.

یاشارکمال : نویسنده نامدار کرد در ترکیه ، درباره : سرکوب کردها در ترکیه : میگوید (اگر دولت ترکیه بتواند همه دریاها را خشکاند ، نمیتواند همه ماهی ها را بگیرد).

ارتشهای اشغالگرد در کردستان ، بوسیله نظامیان جاه طلب و فررمایه رهبری و هدایت میشوند ، اینان دستگاه اصلی سرکوب بورژوازی دست نشانده د خدمت قدرتهای بیگانه را تشکیل میدهند. این ارتشها متفرعن و با خوی وحشی ، بیگانه با نیازها - و توقعات تودها - همچون نیروهای واقعی اشغالگران بیگانه رفتار میکنند.

با دستاویز قراردان : عدم دخالت در امور سیاسی ، **ونجات** " نظم ، قانون اساسی - ونهادهای دمکراتیک "؟! ، خود را به طبقه استعمارگر ، که قادرند با دست و دل بازمزد خدمات انجام شده آنان را پرداخت کنند ، وابسته اند. باصطلاح دفاع از : سرحدات ملی که بطور انهام آمیز و خیالی مورد تهدید قرار گرفته است ، وجود ارتشهای " **حرفه ای و بدون تمایلات سیاسی** " را که فقط در مقابل اراده غیرملی سرخم میکنند ، میتواند توجیه کند.

بدینگونه است تاریخچه ارتشهای ممالک اشغالگر که در کردستان بصورت نیروهای سرکوبگر درآمده اند. به نوبه خود ، حکومتهای " ارتجاعی - استبدادی " در کردستان با مکر و حيله خاص خود اینطور وانمود میکنند که از " اختناق و سرکوب " نفرت دارند. در این کمده تراژیک ، در زیر سرپوشی از یک حاکمیت و قدرت تزلزل نا پذیر خود را **حافظ** " نظم و امنیت عمومی - و تمامیت ارضی "؟! ، **برعکس** ، خلق کرد - و بویژه ، مبارزان آنرا باصطلاح دیروزی شان **راهزنان و اشراار** و در اصطلاح امروزی شان : **پیشقراولان راه** (آزادی و استقلال) خلق ستم دیده کرد را ، با برجسپ اتهام و افتراء : **تروریستها و محرکین جنگهای گریلائی معرفی میکنند؟! . لذا** : بر اساس قانون نیروهای ارتش وظیفه دارند که حساب خود را با آنها تسویه کنند. طبقات پرامتیاز نظامیان حکومت های اشغالگر که از جاه طلبی ها و هوا و هوسهای یک زندگی مجلل و مرفه ، تخدیر شده اند ، در واقع نقش هدایت و رهبری نیروهای سرکوب را ایفاء میکنند. در بین نظامیان ، تعداد بیشماری وجود دارند که از میان طبقات پائین تر برخوردارند ، تعلیم و تربیت دیده اند تا مأموریت با صطلاح " ملی "؟! خود را که همانا نابود کردن (**خلق کرد - و مبارزان**) آنست. که برای بدست آوردن حقوق (**ملی و دمکراتیک**) خود مبارزه میکنند ، با موفقیت بانجام برسازند.

بطوریکه امکان هیچگونه بحث و گفتگویی متصور نیست ، **زیراکه** : اینان بنا برمنافع شخصی خود ، مدتهای مدیدی است که بحث و گفتگوبا اقلش و طبقات مردم " **ستمیدیده و محروم** " کرد را رد - و بر روی آن خط قرمز کشیده اند ، **ودر عالم سیاست** ، وقتیکه عدم امکان و محال بودن " **بحث و گفتگو** " ، اصل طرفداری از مخاصمه را بمیان کشید ، موقعیت حق تقدم داشتن " **تصادم و برخورد** " را بدنبال خواهد آورد. درمقابل این جنگ تحمیل شده ، **جنگجویان** (ملی و انقلاب - بی) همچون مبداء و مقدمهء یک حماسهء عظیم رهائیبخش ملی درمیان خلق ناگهان ظاهر میشوند.

وقتیکه میگوئیم : برای خورد کردن دشمن از نظر تاکتیکی ، و ازپای در آورد نش از نظر استراتژیکی ، باید او را متفرق و پراکنده کرد ، صحت و درستی این اصل بطور وسیع در تجربیات خلقهای دیگر به اثبات اسیده است. **برای ما** ازپای در آوردن نیروهای دشمن از نظر استراتژیکی ، **باین معنا است که** : آنها را در تحت فشار یک مبارزه - که محک های قضاوت را در اختیارشان قرار خواهد داد - و بدین ترتیب آنها را مجبور به درک حقیقت نمائیم.

امید باینکه : از نظر حقوق حقه و مشروع " **ملی - و دمکراتیک** " مردم کرد ، یکی از کشورهای اشغالگرو دست نشا - نده را بتوان قبل از آغاز مبارزهء مسلحانهء (ملی و انقلابی) و ادار به درک و قبول این حقانیت کرد ، **خیالی پوچ و واهی بیش نیست.** و این خیال غالب اوقات بدرد این میخورد که فقط خط مشی بدبینانه - تسلیم طلبانه را مخفی کرد.

بطور اساسی - و تجربی : فقط موفقیت های نظامی است که یک نفوذ و تاثیر (سیاسی - نظامی) قابل توجه را بویژه ، بر روی (نیروهای دشمن) بواحدهای " **چریکی یا گریلانی** " عرضه میکند. اگر دشمن نیروهایش را متمرکز کند ، میدان عمل را از دست میدهد ، **برعکس** ، اگر نیروهایش را متفرق کند ، توانائی و قدرتش را از دست میدهد. این اصل جنگی که بنحو گویائی بیان شده است ، **برای ما** : در یک استراتژی کلی جنگ " **چریکی یا گریلانی** " - منطقه - ای و ملی ، **مهمترین و تعیین کننده ترین اصول نظامی را در بردارد.**

شرائط پیروزی بيمين " **تجارب تلخ و اندوهبار** " در کردستان ، امروزه کاملاً معین و مشخص شده است. هر سازمان : (سیاسی - و نظامی) اسلحه بدست باید به ایجاد یک جبههء میهنی رهائیبخش ملی - یا یک جبههء متحد مبادرت ورزد.

بيمين این تداخل و ادغام " **اورگانیک** " ، در تحت رهبری تمرکز یافته - که جهت گیریهای استراتژیکی را در یک مقیاس ملی مشخص خواهد کرد ، اتحاد و پیوند با مترقی ترین قشرها امکان پذیر خواهد گردید. توسعه و گسترش این جبههء میهنی ، در انفجار و تلاشی پایگاههای " **سیاسی - بوروکراتیک و نظامی** " دشمن نقش مهمی را ایفاء خواهد نمود.

این هدف علیرغم روحیهء دسته بندی ، در یک فضای کلی فقدان صداقت و اعتماد ، که در حال حاضر وجود دارد ، فی البداهه قابل دسترسی بنظر نمیرسد. **مضافاً** : هنوز پاره ای علایق به " **فرمانروائی و فرماندهی** " حذف و محو نشده ، و در لافاهء و سواسهای اصول گرائی مزفی شده - و به حیات خود ادامه میدهد. بعدها ، گسترش متوالی مبارزهء تودهء در سطح : (**انقلاب دمکراتیک ملی**) راه حلها و سلسله مراتبی از پایه را تحمیل خواهد کرد - و خود خواهی های و جاه طلبی های فروگرایانه یا گروهی را کنار خواهد زد.

باید هم بدینگونه باشد - و موضع گیری باید بوسیله حس رقابت " ملی و انقلابی " دیکته شود ، زیرا به تجربه و در عمل ثابت شده - که هیچیک از شیوه های دیگر نخواهد توانست در یک پروسه " ملی و انقلابی " مدلی برای ارزشها را ارائه دهد.

بنا بر آنچه که اشاره شد ، اینطور بنظر میرسد که : اتفاق و اتحاد جنبشهای (سیاسی - نظامی) در کردستان تحقق نخواهد یافت ، مگر هنگامیکه هر یک از جنبشها قسمت مهمی از مرحله جنگ راهائیبخش را جداگانه و مجزای کرده - و در جریان آن هرگونه توهمی را از دست داده باشد . با رد شدن و پشت سر گذاشتن این مرحله (استقلال جوئی و الحاق

طلبی) بخشهای تجزیه شده ، شاید وقتیکه مناطق عملیاتی در نهایتهای خود باهم تلاقی کنند ، گروههای چریکی یا گریلائی خواهند توانست بصورت ارتش منظم درآمده و به مرحله بعدی یعنی تعادل وارد گردند.

د ر اینحال ، جبهه میهنی مشاهده خواهد کرد که : ناچار است بطور تصاعدی با جنگ محلی ، یعنی در زمانیکه جنگ مخصوص با شکست و نا کامی مواجه شده است - با شرکت نیروهای ممکن الحصول و مطیع بیک استراتژی ضد (ملی و میهنی) در مقیاس سرتاسری دست و پنجه نرم کند . اینها نیروهای مخصوص اشغالگران هستند ، **برای اینکه** بروی اعمال " استعماری " خود در امور (جامعه و سرزمین) **ما** سرپوش بگذارند ، **با چهره بزرگ کرده** " **حفظ تمامیت ارضی و امنیت عمومی** " وارد میدان میشوند.

فوری ترین امور از نظر تاکتیکی بمنظور نابود کردن دشمن ، **عبارتست از :** تفرقه و پراکندگی استراتژیکی کلیه نیرو های ضد شورش - ویاری دهندگان آنست . بنا بر این واضح است که دسته بندی کمی و تفرقه و پراکندگی کمی واحد های " چریکی یا گریلائی - پیشمرگه یا پارتیزان " را باید یک امر منفی تلقی کرد . زیرا ، **اولی :** (دسته بندی کمی) دشمن را متفرق نمیکند ، **دومی :** او را نابود نمیسازد ، **وبالآخره ،** هیچیک از ایندو ، دشمن را ضعیف نکرده - و او را از پا در نمیآورد . و سرانجام کار باینجا خاتمه مییابد که : اینگونه (واحد های چریکی یا گریلائی) بیک ادامه حیات بصورت مزمن درآمده گرفتار شوند ، و یا از بین بروند .

در مورد دسته بندی ، و خامت مسائل تدارکاتی یک عامل تعیین کننده است . این ادامه حیات ، بصورت یک نوع (تبلیغات مسلحانه) مخفی با اثرات نا مشهود سیاسی در مییآید ، و در چنین حالتی فقط در سرزمینهای وسیع ، با جنگها یا کوهستانهای قابل نفوذ (این ادامه حیات) امکان پذیر خواهد بود . و تا وقتی دوام خواهد داشت که : چریکها یا پارتیزانها - پیشمرگه ها یا گریلاها بتوانند انواع مصائب و گرسنگیها را متحمل شوند . . و یا دلخوش باشند که هر چند ماه یکبار چند نفر از نیروهای دولتی را از پای در آورند .

تکرار میکنم : آنچه امروز اهمیت دارد این نیست که مجموعی مرکب از " پانصد یا هزار " پیشمرگه یا گریلا در اختیار داشته باشیم که آمادگی مقابله با ضد چریک را دارا باشند .

آنچه (اکنون) مورد نیاز است ، جبهه یا دسته های متکی بخود میباشد ، با حد متوسط دو یا چهار گروه پیشمرگه یا یا گریلا جمعا بین " بیست تا پنجاه " نفر که بطور متقارن در بخشهای مختلف یک منطقه عمل کنند ، ضد چریک را متفرق و پراکنده سازند ، ونیز دسته های مامور: برنامه ذله کردن وبستوه آوردن اورا نابود کرده - واز بین ببرند.

صحت ودرستی این نکات وقتی بشدت خود نمائی میکند که : فصل مربوط به اشکال عملیاتی ضد چریک را ، که از برنامه : ذله کردن وبستوه آوردن تا محاصره تاکتیکی ادامه پیدا کند . . . یکباردیگرمورد مطالعه قراردهیم.

همینکه ترجیح بند مقاصد استراتژیکی اش تحقق یافت ، ضد چریک " نیروهای دولتی " ترجیح میدهد که بجای پنجاه پیشمرگه یا گریلا با هزار نفر از آنها طرف شود. هر قدر جنگل بزرگتر باشد ، هیزم شکن خوشحال تر است!.

یک جبهه اولیه یا پایه ائی ، نیرو و قدرت پیشمرگه یا گریلا وقتی متکی بخود بشمار میرود که : در آن مهمترین مسئولان ملی یا منطقه ائی یک جنبش مسلحانه شرکت نمایند.

مسئولان جبهه جدید ، باید اطلاعات جغرافیایی منطقه را در اختیار داشته باشند - و این اطلاعات را مورد مطالعه قرار دهند. این اطلاعات شامل : (دهکوره ها ، جاده ها ، رودخانه ها ، مناطق کوهستانی ، جنگلها ، رابط ها و ... غیره) خواهد بود. لازم است تاریخ های ممکن برای اجتماع فصلی تا سالانه مقرر گردد.

همینکه اجتماع مورد نظر تحقق یافت ، ونتایج عملیات انجام شده مورد ارزیابی قرار گرفت بر اساس شرائط موجود تصمیم گرفته خواهد شد.

1- خواه عملیات در ناحیه جنگ چریکی یا گریلائی - یا منطقه تهیه وتدارک شده ادامه یابد ، خواه یک ناحیه دیگر اشغال گردد ، 2- هر جبهه جدید " چریکی یا پارتیزانی " باید بطور دقیق خط مشی استراتژیکی مشترک را دنبال کند ، ودر عین حال خود مختاری لازم برای ابتکارات تاکتیکی اش را در عملیاتی که بعهدہ اش محول شده است ، محفوظ دارد مانند : 1- جنگیدن در منطقه ائی با دفعات مشخص ومعین ، 2- از بین بردن خبرچینان وجاسوسان ، 3- مصادره بانگها ، 4- در تافت تجهیزات ونفرت جدید وغیره . ولی در صورتیکه ماموریت ویژه آن جنگیدن است - همینکه با منطقه آشنائی پیدا کرد ومنابع آذوقه وخواربار خود را شناخت - همواره باید درصد تحریک دشمن برآید. در پراتیک ، این امر جزئی از مرکزیت بدون تمرکز (اجازه اخذ تصمیم وخود مختاری بواحد های "چریکی یا پارتیزانی" ، در قلمروهای کم وبیش مشخص) بشمار میرود که برای توسعه واقعی کار عملیاتی در یک جنگ چریکی یا گریلائی لازم وضروریست.

از طرف دیگر ، با گشایش جبهه های جدید ، با متفرق و پراکنده کردن ضد چریک ، امکان نابودیش فراهم خواهد شد ، وبی تفاوتی وعدم توجه به منطقه گرائی در جنبش ما یک فضای متجانس جنگ " پیشمرگه ائی یا گریلائی را بوجود خواهد آورد. بدینگونه : اولین گامها بطرف خلق - و ایجاد یک نیروی عقبدار جزئی ونا کامل برداشته خواهد شد ونواحی "چریکی یا گریلائی" ومنطق تهیه وتدارک شده بصورت (پایگاههای جنگ گریلائی) تغییر شکل خواهد داد.

همانطوری که قبلاً اشاره شده: با ایجاد بنیادهای جبهه میهنی رهائیبخش ملی میتوان به نیروهای اشغالگر شبیخون زد.

کمین های نابود گرانه . .

در هر کاری که ما میکنیم، اگر وضعیت، خصلت و روابط آنرا با اشیاء و پدیده های دیگر در نیابیم، نمیتوانیم قوانین مسلط بر آنرا بشناسیم و بدانیم که: چگونه بآن پردازیم، و قادر نخواهیم بود که آنرا به نحو احسن انجام دهیم.

این بخش (سیاسی - نظامی) است!

کمین های نابود گرانه:

نظریه برتری کمی دشمن، و تهیه و تدارک و تجهیزاتهش، گشایش جبهه های جدید بمنظور متفرق و پراکنده کردن و از پای در آوردنش، کافی بنظر نمیرسد.

باید این تفرقه و پراکنده کردن را با عملیات نابود گرانه منظم و پی در پی دسته های ضد چریک یا گریلا "مامور بر نامه ذله کردن و بستوه آوردن" تکمیل کرد. برای رسیدن باین مقصود، باید از هر موقعیتی که ابتکار عمل، و یک برتری نسبی را عرضه میکند مانند: کمین حد اکثر استفاده را بعمل آورد. فقط بدینگونه است که قادر خواهیم بود که: نیرو های خود را ذخیره کرده و به حفظ عمل متفرق و پراکنده کردن مداوم (نیروهای دشمن) توفیق یابیم، یعنی (اصل ذخیره کردن "نیروی" خود و نابود کردن "نیروی" دشمن که پایه کلیه اصول نظامی است).

نظریه اینکه برنامه ذله کردن و بستوه آوردن، محورتاکنیکی ضد چریک را تشکیل میدهد، تنها شیوه قراردادی که قادر به نابود کردن آنست، یعنی کمین نابود گرانه باید محورتاکنیکی واحد چریکی یا گریلایی را تشکیل دهد.

کمینهای عقب زنی و ذله کردن و بستوه آوردن باید بمثابه تاکتیکهای کمی یا اضافی تلقی گردد. و قتیکه بر اثر نا کافی

نبودن تجهیزات یا اشتباهات رهبری، اشکال کمی بر کمین نابود گرانه مقدم و مسلط میشوند، **در اینجا ل:** مبارزه مسلحانه در یک عقب نشینی پایان نا پذیر خود به پائینترین حد دفاع استراتژیکی یعنی: (ادامه حیات) سقوط خواهد کرد. (هما نظوری که جنبش رهائیبخش ما امروزه بر اثر اشتباه رهبری به "ادامه حیات" مبتلاء و گرفتار است).

بنا به قانون تکامل: رهائی خلقها امری اجتناب نا پذیر است. لیکن، جنگ "ملی و انقلابی" نه تنها میتواند به

شکست منجر شود ، بلکه در گذشته هر جا که احزاب و سازمانهای پیشآهنگ ، مبارزه را بطور نا درست سازمان داده - ویا رهبری کرده اند ، با شکست مواجه شده است . **نه یکبار بلکه بارها ،** پیشآمدهای مخالف در قطع کردن راه امکاناتی سهمیم شده اند که بعنوان مرحلهء مقدم بر انجام و تکمیل ضرورت تلقی گردیده بود.

بعبارت دیگر: هر جنبش " ملی و انقلابی" بعنوان مثال همانطوریکه بوضع امکانات مثبت پیروزی نیروهای " ملی و انقلابی" را با خود به همراه دارد ، بهمین اندازه ، حامل امکانات منفی پیروزی نیروهای ارتجاع نیز میباشد.

بهر تقدیر ، غالباً لازمست در زمینه مسائل نظامی ، بمنظور تنظیم استراتژی و تاکتیکی که برای یک مدت معین باید مورد تصویب قرار گیرد ، بانجام محاسبات تقریبی مبادرت ورزید. **فی المثل وقتیکه سؤال که: 1- جنگ چریکی یا گریلائی تا چه مدت در کردستان باقی و دوام خواهد یافت؟ ، 2- شکل عمدهء عملیاتی آن چیست؟ ، جواب می دهیم:** تا وقتیکه رشد نیروهای توده ای امکان یک جنگ جنبشی را فراهم آورد.

ما میتوانیم برای پاسخ باین سؤال " **تا چه مدت؟** ، مثالهای بیشماری ارائه دهیم ، زیرا که : مسائل نظامی در هنر عملیاتی ، بهم مربوط و وابسته اند. در زمینه سیاست " ملی و انقلابی" نیز بهمین شکل مطرح میشود ، زیرا که : جنگ خلقی یک پدیدهء " ملی و اجتماعی" کاملاً سیاسی - نظامی میباشد.

یک فرد کردستانی مانند هر انقلابی دیگر کرده زمین میتواند از خود سؤال کند که : رهائی این سرزمین تا چه مدت به بطول خواهد انجامید؟ . او میداند که زمان بنفع جنبش رهائیبخش " ملی و انقلابی" کار میکند. **البته در صورتیکه 1- فشار مبارزه ، 2- ارادهء جنگیدن در میان توده ها ، ثمرهء اوضاع و احوال خاص ویک رهبری صحیح را ایجاد و به منصفهء ظهور برساند.**

تا فرا رسیدن این لحظه ، اندیشه و توجه هر فرد کردستانی ، بر روی : **1- شرایط " عینی و ذهنی"** ، **2- زمان تاریخی** ، **3- روابط متقابل نیروهای " ملی و بین المللی"** و غیره متمرکز میگردد.

البته ارزیابیهای متفاوتی میتواند وجود داشته باشد ، اینکار ممکنست : **10- 20 سال ، 50 سال** و حتی یک قرن و بیشتر بطول انجامد. ولی مسئلهء اساسی (**برای او**) ، شناختن یا پیش بینی کردن طول زمان یک جنگ درازمدت در یک یا چند بخش از کردستان " **تجزیه شده** " بشمارنمیرود. **برعکس** ، پی بردن به علت این امر فوری و حیاتی است که: **1- چرا ما هنوز ربی معنی ترین سطوح این مرحلهء جنگ " ملی و انقلابی" قرار داریم؟ ، 2- موانع رشد و توسعهء جنبش رهائیبخش در کردستان چیست؟ ، 3- آیا دلایل کم اهمیت تر و کمبودهایی وجود دارد که فقدان دینا میسم و تمایل این جنبش مسلحانه را به حال (**مزم**) درآمدن را توجیه کند؟ ، . . . و **بالاخره** ، مسائل مطرح شده بر اثر این تمایل طبیعی به رکود و سکوت میتواند با نزاع ها - و کشمکش های (**درونی و بیرونی**) احزاب و سازمانهای رهبری کننده از بین برد - و راه حل واقعی برای آن پیدا کرد؟.**

همانطوریکه قبلاً "د نوشته هایم" بدان اشاره کرده ام، این امر آنچنان در پیچ و خم های ادراکی گم شده است که حتی نمیتوان آنرا توجیه کرد - و توضیح داد. و (نتیجه اینکه) در وضع موجود جنبش رهائیبخش ما یک شرط سا-ده الزام متصل به (جنگ درازمدت) را مشاهده میکنیم.

بعبارت واضحت: وقتی که هیات رهبری یک جنبش "چریکی یا گریلائی" اتخاذ نا چیزترین تصمیمات را در انحصار خود نگیرد، از فعالیت واحدهای مسلح - و گسترش سازمانهای مخفی خود ممانعت بعمل میآورد، و انزوای واحدهای چریکی را با هم و با شهرتشدید میکند، **بویژه**، وقتی که مسئولیت واحدهای "پیشمرگه یا گریلائی" را کس و یا کسانی عهده دار میگردند که با الفبای اصول و فنون جنگ اعم از "جنگهای منظم یا غیر منظم" بیگانه و در تضادند... **وبالآخره**، اگر توجه کنیم که نا چیزترین مشورتها غالباً ماهها وقت میطلبد و یا قربانی کردن تماسها و روابطها را متوقع است.

خلاصه اینکه: چنین بنظر میرسد تا زمانی که وحدت جنبشهای پارتیزانی یا گریلائی حاصل نشده است - حتی اگر هدف استراتژیکی مشترک بعوض (خودگردانی، خودمختاری... و بالآخره، **فدرالیسم**، بدست گرفتن قدرت "**استقلال**") هم وجود داشته باشد، یک استراتژی واحد و متمرکز برای کلیه نیروهای (ملی و انقلابی) بوجود نخواهد آمد.

اثرات و نتایج این درهم ریختگی و پراکندگی (جنبش یا جنبشهای مسلحانه چریکی) در جریان کلی مبارزه، همچنین در روابط سازمانی هر جنبش چریکی یا پارتیزانی، بسختی و ناگواری بوسیله تودهها - و مبارزین آن احساس خواهد شد.

ولی اگر خصلت واقعی یک "**جنگ درازمدت**" فقدان رشد صعودی را توضیح نمیدهد، راه حل برای خروج از بی حرکتی و سکون، بنظر میرسد که از مسئله فرماندهی - که قبلاً به توضیح آن پرداخته ام در میگذرد، **در اینحال** لازمست که کاوش را در جهات دیگری دنبال کنیم. زیرا **که:** منطقی کردن شهادت و مفهومی بخشیدن به فداکاری و از خود گذشتگی، دارای اهمیت است.

وظیفه مبارزین "ملی و انقلابی" ما این نیست که منتظر بمانند تا تغییر رژیمها بر اثر معجزه بوقوع بپیوندد - و جنبش رهائیبخش ما در کردستان تحقق یابد، بلکه اینست که حد اکثر استفاده را از آنچه که این تغییر بنفع ما بوجود میآورد بیرون بکشند.

در اولین گامهای استراتژیکی، ما نه برای این می جنگیم که با دشمن بر سر برتری مطلق مشاجره کنیم، و نه شرائط را برای او فراهم نمائیم که موجودیت واحدهای "پیشمرگه یا گریلائی" را مورد مخاطره قرار دهد. برتری مطلق محصول "ابتکار عمل" است. اشکال عملیاتی غافلگیری بنوبه خود ابتکار عمل را عرضه میکنند که میتواند "برتری را حاصل نماید". بخاطر همین امر است که معمولاً برتری نیروهای حاضر نسبی است مگر زمانی که یکی (از طرف) پیروزان آب درآید.

واحد چریکی یا پارتیزانی به این اصل نظامی تکیه میکند که موقعیتهای ویژه مانند کمین، برتری را از آن خود کند، و ضد چریک، برای حفظ کردن برتری به موقعیت قبل از تماس دائمی متوسل میشود. در واقع در اینجا مانند کلیه موقعیت های جنگی، نمایش قدرت برای بدست آوردن ابتکار عمل بچشم می خورد.

بنا بر این : نفس ابتکار عمل لازم و ضروریست - بدون آن ، هیچ جنگ چریکی یا گریلائی نمیتواند به زندگی خود ادامه دهد.

تا وقتی که ما " جنگ مین ها " را در میان واحدهای پیشمرگه یا گریلا در کردستان مورد عمل و گسترش قرار نداده ایم این بمنزلهء (کم بها جلوه دادن و کم بکار گرفتن مشوش کنندهء عمل غافلگیری) خواهد بود. ما هنوز پی نبرده ایم که کمین نابودگرانه بمثابهء محورتالتیکی جنگ چریکی بشمار میرود - و همین امر بدشمن امکان داده است که برنامهء ذله کردن و بستوه آوردن ... و به همراه آن : ابتکار عمل را سالم و دست نخورده حفظ کند.

د ر مقابل دشمنان قوی و متشکل ، مبارزهء جنبش گریلائی یا پیشمرگه با نیروهای مجزا و متفرق شده اش - نه بخاطر اختلافات استراتژیکی شان " خود گردانی ، خومختاری ... و فدرالیزم " ؟ بلکه بخاطر شیوه رهبری شان ، محروم از ابتکار عمل و بد رهبری شده و سربه سنگ خوردن است . د ر نتیجه یا آن مبارزهء جنبش چریکی را به عقب می راند و یا اینکه این امر را با خصلت جنگ د رازمدت قاطی کرده - و خواهد کرد.

حتی اگر مجبور شویم که حرفهای قبلی خود را تکرار کنیم ، لازمست که تذکر دهیم که : (کم بهاء دادن و کم بکار گرفتن ابتکار عمل ... و ضعف تاکتیک است که دست های نیروهای اشغالگرا را باز میگذارد ، و او را آسیب ناپذیر و شکست نا پذیر می نمایاند.

چه فایده که فقط رهبران جنبشهای ما به این آسیب پذیری و شکست نا پذیری اعتقاد نداشته باشند ، د ر حالیکه خلق کرد از آن رنج میبرند - و در حالت انتظار بسر میبرند. د ر آنجائیکه اعتقاد و یقین به پیروزی وجود ندارد ، پیروزی کامل وجود نخواهد داشت. **این اضطراب :** نیروهای پیشاهنگ یا پیشاهنگان را د ر بخشهای " تجزیه شدهء " سرزمین ما را د ر بر میگیرد ، که الزاما باید به درهم شکستن مرزهای مصنوعی (**استعماری**) - د ر آنجائیکه مبارزهء مسلحانه جریان دارد ، د ر آن جائیکه هنوز بوجود نیامده است ، منتهی شود.

غالباً کمکهای اعطائی؟ به قیمت قبول یک رهبری نا مرئی پذیرفته میشوند. د ر اینحال نیازی نیست که به اندیشههای دور دراز فروروییم ، یا دست بدامن عالمان غیب و معجزات بشویم ، تا مصائب و بلاهای آینده - و حال ، یک چنین کمکهای را بیش بینی کنیم.

زیرا : بدنبال آن ، خصلت متغییر سیاست ، روابط فرصت طلبانه و د ر عین حال اجحاف گرانه اش را د ر زمینه های مختلف جنبش بخودی خود ظاهر خواهد ساخت. **د ر اینحال ؛** هدفها و وسیله ها بطور مداوم و متقابلا به فساد و تباهی و ... به شکست و نا کامی خواهند گرائید.

بهمین خاطر است که : به معنای دقیق کلمه اعتباریک جنبش (**ملی و اجتماعی**) فقط باید به یک مصالحهء (**ملی و اجتماعی**) پاسخ گوید ، و هرگونه سازش دیگری که رهبری و امور خاص آنرا د ر برگیرد ، از یک طرف بمعنای این است که خود را به چیز پوچ و ابلهانه د لخوش نماید و از طرف دیگر پیشاپیش خود را به حلق آویز شدن (**انتحار**) محکوم کند.

با وقوف و آگاهی بر اینکه: اگر " اولیها " خریده شدند، " دومی ها " فتح شوند، " سومی ها " ساخته میشوند می شوند!، میتوان پی برد که جنبش یا جنبشهای ما، کاری جز این نخواهند که پروسه رهائیبخش را به نحو درناکی و اسف انگیزی کش دهند.

وقتی که یک جنبش چریکی یا پارتیزانی باتکاء امکانات خود: به توده ها نشان میدهد که " ضد چریک " آسیب پذیر است، نه تنها میتوان او را به مبارزه طلبید، همچنین میتوان نه فقط بطور استثنائی بلکه هربار که در کوره راه ظاهر شود - و یا در جاده ائی دست به حمله بزند، مزهء شکست را به او چشاند.

وقتی که یک جنبش پارتیزانی یا گریلائی به توده ها نشان دهد که: از همین آغاز میتواند امکانات پیروزی را مورد بررسی قرار داده. . . و در اینحال خواهد توانست بر روی عضوگیری کیفی و افزایش طرفداران خود حساب کند، در اینهنگام، با توجه به موقعیت (ملی و اجتماعی) قابل انفجار در مقیاس سراسری، بسیج اقشار و طبقات مردم نابود نشدنی و شکست نا پذیر خواهد بود. در این فاصله اقلیتی همچنان به پذیرش شرائط موجود خود ادامه خواهند داد، زیرا که: امکانات تغییر آنرا مشاهده نمیکند. مثلا بکرات دیده شده، وقتی که پیشمرگه ها یا گریلا ها میخواهند پول آذوقه های خریداری شده را پرداخت کنند، روستائیان اغلب به آنها پاسخ میدهند: (نه دوستان پرداخت آن هیچ لزومی ندارد)... ولی به این شرط که: بهمان شدتی که در شش ماه پیش به آرتش ضربه زدید، دوباره به اوضربه بزنید. چیزی که روستائیان از پیشاهنگ یا پیشاهنگان " ملی و انقلابی " طلب میکنند اینست که: برایش اثبات کند که شکست " دشمن " یک چیزانی وزود گذرنیست. . . . (برایش اثبات کند که: تعهد و سهمی شدنش در مبارزه بی ثمر و بی حاصل نخواهد بود) . . .

.. ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو سوئید

چاپ شده در سایت

www.peshmergekan.com

2008-02-23